

# قلم‌های ایران

زین نظر شورای نویسندگان

## اختلاف مالی فرانسه و جمهوری اسلامی

### بر سر چیست؟

موضوع روز است سؤال کرده‌اند. ما بطور خلاصه موضوع این اختلاف را در زیر یادآوری می‌کنیم.

کمیساریای انرژی اتمی فرانسه، در سال ۱۹۷۲ تصمیم گرفت که بعنوان مقابله با اروپا با انحصار ایالات متحده در زمینه انرژی کردن اورانیوم - مورد مصرف نیروگاه‌های اتمی - بدها بپردازد. در نتیجه کارخانه‌های اتمی - واقع در جنوب لیون، اقدام کنند. این طرح که "آرژو-۱" نامیده شد هدفش تهیه اورانیوم غنی شده برای مصرف یک عدد نیروگاه برق اتمی بود. هزینه ساخت آن ۲۲ میلیارد فرانک برآورد گردید، با توجه به سنگینی هزینه اجرای طرح، رهبران کشورها ی

چندتن از خوانندگان ما درباره اختلاف مالی فرانسه و جمهوری اسلامی که

حینعلی مشکان

### چهار کلمه‌ای بازنده شده؟

سیاست عرصه بردو باخت است. هرکس وارد بازی سیاست میشود باید قوا را در نظر بگیرد. سیاستمداران باید بداند که هر چه در دست دارند، در واقع در دست حریفان می‌افتد و همان مهره را در جهت معکوس حرکت می‌دهند و بازی را می‌برند.

شورویسم، یکی دیگر از بازی‌های سیاسی آیت‌الله خمینی در این هفت سال، اکنون به مرحله پایانی خود رسیده است و به طوری که می‌بینیم در این مورد نیز، مانند تمام بازی‌های آیت‌الله، ایران بازنده بزرگ محسوب می‌شود.

بقیه در صفحه ۱۲

### دیوان شمشیری

شهری به بلندی خورشید

در صفحه ۶

### خمینی پس از ۲ ماه سکوت

در صفحه ۸

هادی بزاز

## آنجا که باید اصرار داشت

بدا این واقعت تسلیم شدن که ابتدا باید به "خود رسید" و آنجا که به "کش‌های عقیدتی" برداخت و این نوعی آتش‌بس خردمندانه بود.

نهرود شرح اهمیت تاسیس "کنگره" که در آن روزگار فراتر از یک حزب، تجلی نهفت ملی هند بود، این اتفاق را با کلمه‌ای "خوبشوندی" وصف کرده است:

"این نوع خوبشوندی که در میان ما رشد می‌یافت ما را نسبت به یکدیگر برادری و برادری ساخت. به طوری که نسبت به کسانی هم که با این اختلاف نظر فراوان داشتیم احترام می‌گذاشتیم، این موضوع و این پرورش در سال‌های بعد برای ما کمک بسیار موفربزرگ بود."

بر قسمت اخیر سخنان نهرود، یعنی تاکید او بر آثار بعدی این خوبشوندی (که تا قبل بیشتر لازم است، بقیه در صفحه ۲

در "نهفت‌های ملی"، هدف اولی، دستیابی به "استقلال و دمکراسی" و در مفهوم کلی "استقلال و کامیت ملی است". با این تعبیر، نهفت مقامات فرانسودر دوره اشغال نازی‌ها، جنبش استقلال‌طلبانه و حرکت ملت ایران برای ملی‌ساختن صنعت نفت (در سرانجام ایران)، هر کدام به گونه‌ای، جلوه‌ای از نهفت ملی بوده‌اند. با این تفاوت‌ها که:

فرانسوی‌ها را ندانند بیگانه‌ای اشغالگر و "حیا" استقلال و دمکراسی (یعنی آنچه را که پیشتر داشتند) - هندی‌ها، تاسیس استقلال و "طنق" دمکراسی و ایرانی‌ها شکرستن مهم‌ترین پایگاه استعمار و حیا مشروطی فراموش شده را در "دستور کار" خود قرار دادند.

"سلما" تفاهای مسلکی "بدنولوژیک" از میان نرفت - "ماحیان عقاید" بر مواضع خود باقی ماندند و با هوشیاری

## نظریه‌های چنانچه پیشین

روزی که قرار بود نخستین رئیس جمهوری

### شکست

### مثلت تروریسم

مثلت تروریسم بین المللی روبه در هم شکستی است. نخستین شکستی که هنگامی در آن بدید آمد که صدای انفجار بمب‌ها و موثک‌های آمریکا در طرابلس و بنسازای، خود را نیرومند تر و موثرتر از عربده‌های سرهنگ قذافی نشان داد. از آن روز آریل تاکنون اگر چه ویکی‌گاه لافی زد و تهدیدی کرد، ولی غنای ترس بر چشم‌های او افتاده است، بیشتر به موشی به سوراخ خزیده می‌ماند. شمشیردا موکلس حمله‌ها می‌تواند با لالی سرا و آویخته است و هر لحظه می‌تواند فرو رود. گمان نمی‌رود که وی دیگر بتواند آسایش گذشته‌ها را در تروریستی را تدارک ببیند. تقریباً از کار افتاده است.

ولی دوفلع دیگر مثلت تروریسم هنوز بر جای قرار دارند. سوریه و جمهوری اسلامی، هر کدام به وسیله اهرم‌هایی که دارند، می‌توانند همچنان خطرناک باشند. با این همه، دمشق و تهران نگران پایان رژیم‌های خویشند. حافظ اسد حساب می‌کرد اگر چه بلندی‌های جولان را برای آینده‌ای درخور پیش‌بینی از دست داده است، دست‌کم می‌توانست نه فقط در لبنان، بلکه در اردن و باریس، در رم و وین و استانبول، با روی دم غرب و اسرائیل بگذارد. می‌توانست آنقدر زنده خود را در جهان عرب محسوس کند که رهبران آن نتوانستند موافقت اهریح تصمیم‌مهمی بگیرند و به اجراء درآوردند. ولی امروز چنین نیست، در لبنان، سوریه دیگر آن دار و نهانی میان نیروهای متخاصم نیست.

بقیه در صفحه ۴

## تهران بدون بنزین

تهران بدون بنزین، این روزها سخت‌ترین دوره حیات خود را می‌گذراند. شهری که روزی از شدت تراکم خرافیک رفت و آمدها و تحرک زنده‌ترین سیمای یک شهر زنده را به نمایش می‌گذاشت در کمتر از یک ماهی که از کوبنی شدن بنزین می‌گذرد به شهری مرده پیچون و خسته و اخموتخیر شکل داده است. نشانه‌های حیات و تحرک در تمام این ابعاد و جهات یک زندگی شهری از سیمای تهران گریخته است. شاید برای آن‌ها که خارج از این شهر می‌باشند تصور تهران بی بنزین، تنها یک تصویر ساده از نفت اتوموبیل‌ها در برابر جایگاه‌ها و یا نا اراحتی ناشی از سهمیه بندی بنزین باشد. اما در تهران، بنزین سوخت درک‌های شهری مثل تهران، دقیقاً همان موقعیتی را دارا داشته که در خون در رگهای انسان، جاده‌ها و خیابانها رگ‌های حیات می‌شوند و اکنون تهران و سایر شهرهای ایران بدنساز کوبنی شدن بنزین و کمبود تمام مواد سوختی می‌رود که رگهای این خون حیات شهری کرده.

هوشنگ وزیری

## شود دوره بازی کردن پیش

روایت‌ها و تفسیرها درباره این خبر بیشتر از زبان رفسنجانی شنیده می‌شود. رفسنجانی می‌گوید که مک‌فارلین لباس مدل به تهران آمد، رفسنجانی می‌گوید که او به هر یک از آنها یک تپاچه کلت داد، رفسنجانی می‌گوید که او شیرینی‌هایی به شکل کلید برای "بچه‌های امنیتی" سوغات آورد، رفسنجانی می‌گوید که او، یعنی مک‌فارلین، بسیار رعنا می‌بود. ولی نمی‌گوید که این‌ها را خود به چشم دیده یا از دیگران شنیده است.

بقیه در صفحه ۳

گرچه برای نخستین بار نیست که رفسنجانی در کودتای زخمه تهران با برکری ربا ست مجلس شورای اسلامی، میان‌داری سیاسی می‌کند، لیکن برای نخستین بار است که وی، در جا و صحنه سیاست، در تقاطع آتش نبرد بر سر قدرت قرار گرفته است. بردن یا باختن این دور تا زده نبرد، نه تنها در سرنوشت سیاسی بازیگران اصلی صحنه، که بر تمام می‌صحنه سیاست جمهوری اسلامی تا شیری تعیین کننده خواهد داشت.

گرچه در جمهوری اسلامی گفته می‌شود که هیچ یک از مذاکران با رابرت مک‌فارلین دیداری در تهران نداشت، اما



### سلاح های اسرائیلی

با ردیگر یک مورد جدید تحویل سلاح از سوی اسرائیل به جمهوری اسلامی، ازبزرده بیرون افتاد.

روزنامه "پولی تیکن" چاپ دانمارک فاش کرد که در مهرماه ۸۰ گذشته یک کشتی باری دانمارکی به نام "مورسو" متعلق به شرکت "پولسن" از اسرائیل اسلحه و مهمات به جمهوری اسلامی حمل کرده است. این کشتی در مهرماه گذشته بطور مخفیانه در بندر "ایلات" اسرائیل شبانه ۲۶ "کانتینر" حاوی اسلحه و مهمات به قصد بندرعباس بارگیری کرد. نام این کشتی، به گفته یکی از خدمه آن، قبلاً از رسیدن به بندر "ایلات" به تقاضای اسرائیل از "مورسو" به "سولار" تغییر یافت زیرا می بایست سفر آن به اسرائیل مخفی بماند.

به نوشته "پولی تیکن" کشتی دانمارکی پس از حرکت از اسرائیل ۸۰ روز بعد در فائوس های دریایی، درخلیج فارس لنگر انداخت. توقف بدون چراغ های دریایی برخلاف مقررات دریانوردی بین المللی است. کشتی "مورسو" درحالی که دوباره نام اصلی خود را باز یافته بود روز ۲۹ مهرماه وارد بندر عباس شد و محموله خود را تحویل داد. به نوشته روزنامه "پولی تیکن" این کشتی در سال های گذشته چندین بار در عملیات قاچاق اسلحه به آفریقای جنوبی نیز بارگرفته شده بود.

روزنامه واشنگتن پست چاپ آمریکا روز ۶ نوامبر فاش کرد که بدنبال دیدارهای مخفیانه بین مسئولان آمریکا و مقامات جمهوری اسلامی که منجر به آزادی سگروگان آمریکا در لبنان شد، رژیم جمهوری اسلامی که خود را خدا آمریکا می خواند در ۱۴ ماه گذشته جنگ افزای آمریکا را دریافت کرده است.

به نوشته واشنگتن پست، نخستین بار در ۲۳ شهریورماه سال گذشته یک هواپیمای "دی سی هشت" حامل سلاح از میدان اسرائیل سلاح های خود را در شهر تبریز تحویل داد. این هواپیمای که قرار بود بعداً "عازم آسیا" شود مجبور شد در راه بازگشت از ایران، به علت خراب شدن دستگاه رادیویی آن در فرودگاه تل آویو واقع در اسرائیل فرود آید. در همان روز "بتنامین" ورد کشیش آمریکایی که ۱۶ ماه قبلاً به وسیله سازمان تروریستی جهاد اسلامی در لبنان، گروگان گرفته شده بود بطور اسرار آمیزی و به راحتی در بیروت آزاد گردید.

در تیرماه گذشته نیز با وضعیتی مشابه مقادیری جنگ افزار به جمهوری اسلامی تحویل داده شد، تقریباً "درهمان" مونت کشیش "مارتین جنکو" سگ گروگان دیگر آمریکا که نیز در لبنان آزاد شد.

واشنگتن پست منبع نامی این سلاحها را توضیح نداده است اما به نوشته

## دودوزه بازی کردن شیخ

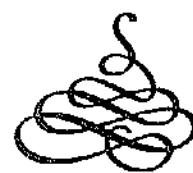
بقیه از صفحه ۱

آیا راستی مک فارلین به تهران رفت که شیرینی و کلت بدهد، عصبانی شود و سپس دست از بازگشتش بکشد؟ آمریکا در جمهوری اسلامی در جستجوی چیست؟ این پرسش است که پاسخ بدان چندان آسان نمی نماید. اما اگر بپرسیم که آمریکا در ایران در جستجوی چیست، پاسخ به مراتب آسان تر خواهد بود.

آمریکا، به عنوان ابرقدرتی دارای منافع استراتژیک در سراسر آن منطقه، طبعاً نمی تواند در جستجوی حضور در مهمترین سرزمین منطقه نباشد. در این که ایران مهمترین کشور منطقه است تردیدی نیست، در این نیز تردیدی نیست که آمریکا می خواهد در ایران حضور داشته باشد، و این سوی حکومتی است که فعلاً در ایران وجود دارد. غیباً با آمریکا می تواند به عنوان حضور بیشتر در قریب بزرگ و تلقی شود. واشنگتن این را خوش نندارد.

اما تمایل آمریکا برای حضور در ایران، جدا از ژئوپلیتیکی که بر ایران حکم می راند، بدین معنی نیست که با لات متحده نسبت به نوع حکومتی که در ایران با وجود داشته باشد، بی اعتناست. به هیچ روی چنین نیست. بی گمان آمریکا حکومتی غیر مذهبی و آزادمنش را به رژیم کنونی ایران ترجیح می دهد. برای آمریکا ایرانی را که دارای پیوندهای استوارتر با غرب زمین مسلمان دلخواه تر است. پس حضور آمریکا فقط بدین سبب نیست که اسلحه های بدهد و گروگان بیستاد. این کار را با کمک واسطه های در سطوح گوناگون می شد انجام داد، چنان که تاکنون انجام یافته است. داهای بزرگتری در میان است. بازی بزرگ تر از اینهاست برای آمریکا رژیم کنونی ایران، رویایی آشفته است. حال آنکه ایران غلبیده در حوزه نفوذ رقیب کابوسی است که در مقایسه با آن، ماجرای افغانستان، فقط خیال را پریشان می کند. می بینیم که سیاست آمریکا در ارتباط با ایران، کزینشی میان سیاه با سفید نیست. ما نور در میان طیف ها و رنگ های گوناگونی

خبرگزاری فرانسه، منابع دیکیسری گفته اند که این سلاح ها در بازارهای بین المللی خریداری شده و سپس به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است. این بار شیخ آزادی دیوید جا کوپس، دیگر گروگان آمریکا که با گزارش های مربوط به سفر "مک فارلین" به تهران و تحویل اسلحه از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی همزمان شد.



است که فقط دو اشتهای متباعد آن را ایران در غلبه در داده من شوری یا ایران ادغام شده در استراتژی جهانی ایالات متحده تشکیل می دهند. در این برآورد فقط امکانات بالقوه دگرگونی وضع موجود را بررسی می کنیم و فعلاً به مصلحت ملی ایران نمی پردازیم. تنها به این اشاره بسته می کنیم که مصلحت ملی ایران در هیچ یک از این دو حالت انتها نمی نیست.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی بر آن است که خود را به جهان با ن به عنوان حکومتی پذیرفتنی نشان دهد. اگر چه آمریکا به این نتیجه رسیده است که با خمینی نمی توان کنار آمد، ولی در باره جهان نشینان خمینی شایده هنوز قضاوت نهایی را نکرده باشد. به هر حال این امیدی است که جهان نشینان خمینی دارند. اما کدام جانشین، در حالی که نبرد جانشینی تازه در مراحل ابتدایی است؟

ممکن است برخی بپندارند که آیت الله منتظری برای غربیان و از جمله آمریکا از آن رویداد رفتنی است که ترس مخوفی و اعتدال را در برابر برداشتی ها و تندروییهای انقلابی موعظه می کند و همچنین "کلیبرالهای دولت موقت" را به عنوان و بهترین مورد سنجش در دنیا گرفته است.

ولی آیت الله منتظری، از دیدگاه غرب، چشم افشاندنی را هم دارد، و آن میراثی است که پسرش محمد منتظری برای او بر جای نهاده است. به نظر من که به نهضت های آزادی بخش که از جمله با شبکه های ضروریستی در لبنان ارتباط دارد.

تصادفی نبود که در گرما گرم نبرد قدرت، مخالفان فزونی را درست بر همین نقطه ضعف منتظری و رادآوردند و نتوانستند از نزدیک ترین دوستان و خویشان و ندانان و را با زداشت کردند. نه تنها به شخص منتظری لطمه زدند بلکه خواستند او را از چشم اعتبار آمریکا ببیند از نرسد که حساسیتی و سواس گونه به تروریسم دارد. ولی طرفداران منتظری نیز بیگانه نشسته و ضربه متقابل را، از لبنان،

### اشتباه کارتر

به گزارش خبرگزاری فرانسه بدنبال انتشار اخبار مربوط به مذاکرات مخفیانه جمهوری اسلامی و آمریکا و ماء موریت محرومانه "رابرت مک فارلین" به تهران، هودینگ کارتر که در زمان ریاست جمهوری کارتر و گروگان گیری دیپلمات های آمریکا در تهران، سخنگوی کا سفید بود، دیروز اعلام کرد: دولت ریگان با تصور این که در جمهوری اسلامی گروه هایی هستند که میتوان با آن ها مذاکره کرد، همان اشتباه دولت کارتر را تکرار می کند.

فرود آورده اند. فاش کردند که رابرت مک فارلین، فرستاده ویژه ریگان، در ماه سپتامبر در تهران بوده و با مقام های بلند پایه جمهوری اسلامی دیدارهایی داشته است.

نماینده ویژه پرزیدنت ریگان در تهران؟ مذاکره با بلند پایه های جمهوری اسلامی؟ پس تکلیف هشت سال شعار خدا آمریکا می، سوزاندن و لگد کردن پرچم آمریکا و این دستور صریح خمینی چه می شود که نباید با آمریکا مذاکره کرد؟ تکلیف این چه می شود که ها شمی رفسنجان به تلویح گفته است که می تواند در تروریست های لبنان برای آزاد کردن گروگان ها فاش را آورد؟ میتکراملی این دیدار با یدرفسنجان بوده یا شد. هم راست که می خواهد از اهمیت دیدار نامبرده بکا هدایت آن را برای طرفداران تندرو جمهوری اسلامی، همانها که حجره شان به شعار "مرگ بر آمریکا" دریده شده است، قابل هضم بسازد.

این بی پیشینه ای نیست که کسی در سیاست بخواد هدایای یک تیردوشتان بزند، اما تیرش به هیچ یک از دوشان اصابت نکند. رفسنجان می ممکن است دچار چنین سرنوشتی شود. می خواهد خود را به عنوان تنها آلترنا تیو به آمریکا معرفی کند و در عین حال همه گرایش های فدائو آمریکایی را در درون نظام رژیم اسلامی در پشت سر داشته باشد.

در خور فهم است که آمریکا نخواهد اسباب های خود را به شیخ ببیند. از این روست که به نوبه خود فاش کرده است نه تنها در تهران، بلکه از یک سال پیش در پایتخت های اروپایی با نمایندگان جمهوری اسلامی دیدارهایی داشته، و به رغم تحریم اسلحه آمریکا از بنیاد اسرائیلی با کشتی های دانمارکی به بندرعباس رسیده است.

گفتن نهاد که شیخ رفسنجان نمی تواند در جاده یک طرفه سازش با آمریکا پیش برود و بقاء سیاسی خود را تضمین کند. تا چاره دودوزه بازی کردن روی آورده است، ولی آمریکا نیز جلودودوزه بازی کردن شیخ را گرفته است. فعلاً شیخ همین که عتراف کرده با نمایندگان آمریکا مذاکره داشته، سوغات آن ها را پذیرفته، شیرینی آن ها را خورده است، و مهم تر از این، پذیرفته که با تروریست های لبنانی ارتباط دارد، یک دور بازی را باخته است.

**رادبو ابران ساعت های یخنی برنامه**

**برنامه اول**  
ساعت ۷/۲۰ تا ۸/۲۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج گوتسبا ردف های ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) ۳۱۰ متر (فرکانس ۹۵۸۵ با ۹۵۹۲ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز).

**برنامه دوم**  
ساعت ۶ تا ۶/۵۵ تا ۶/۵۵ روی امواج گوتسبا ردف های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۲۰۰ کیلوهرتز) ساعت ۲۲/۵۵ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج گوتسبا ردف های ۳۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

### شکست

### مثلث تروریسم

بقیه از صفحه ۱

جمهوری اسلامی تقریباً " همه جا مدعی اوست و با کشودن شرع به سوی رادیکالیسم انقلابی دارادینکا را از اومی گیرد. موافقت نامها شای که با ترغیب یا حمایت سوریه میان نیروهای رقیب در لبنان امضا شده، هیچ یک قابل استناد اجرایی اطمینان بخشی از خود نشان نداده است. سوریه اگر چه در عملیات تروریستی بین المللی درگیر بوده، ولی نیروهای امنیتی او این مهملات را داشتند که هیچ جا ردیابی از خود باقی نگذاشتند. با این همه دستگاہ های اطلاعاتی غرب توانستند، سرچشمه های را پیدا کنند که رژیم دمشق را با گروه های افراد تروریست پیوند می داد. سوریه در تلاش برای متعذر کردن هواپیمای ال عال، گیر افتاد. این از جمله در این اشتهای بی بدیهه ستار سوریه در لندن مرتکب شد. امروزه کسانی که می خواهند فقط اسرار پاک بشوینند، همین اشتهای را دلیل بر این است او می آورند. ولی آنچه وزیر خارجه بریتانیا در کنفرانس وزیران خارجه با زار مشترک در لوکزا مبورک روی میز گذاشت، قدرت فائق کننده بیشتری داشت.

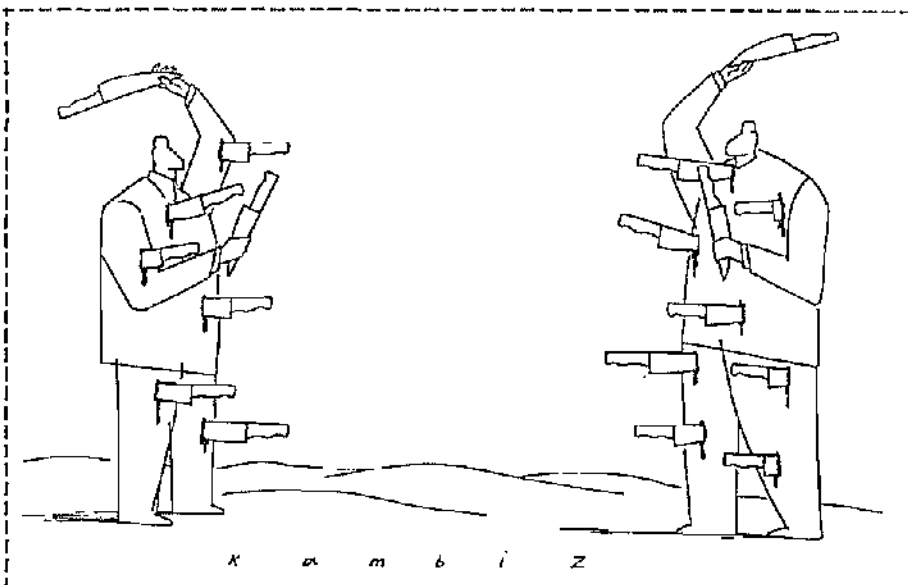
تقریباً " همه وزیران خارجه جا معصه اقتصاد اروپا پذیرفته اند که دست سازمان امنیت سوریه در ما جبرای هوا پیمای ال عال در کار رسیده است. انگلیس اگر دلایل کافی نداشت، با سوریه مناسبات خود را قطع نمی کرد، با اینکه تنها بدین دلیل نبود که لندن مناسبات خود را با دمشق برید. این فقط با بیان مناسبات نیست. آغازی نیز برای پایان کار حافظ اند بشمار می آید.

بر آوردن انگلیسی ها با احتمال بسیار این است که رژیم حافظ اند نمی توانست بینوا شای اقتصاد را، کاهش نشود در لبنان و انزوا ی روز افزون در جهان عرب را تاب آورد، بنای قدرت حافظ اند به نحوی ترسیم نا پذیر خلیل برداشته است و دبیرو زود فرو خواهد ریخت.

جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا، به صراحت گفت سوا ی فرا خواندن سفیر آمریکا از سوریه و گذشته از مجازات های اقتصادی و بازگشتی، مجازات های دیگر نیز مگان پذیر است، زیرا رژیم دمشق با دست های خوین لو رفته است. جمهوری اسلامی، قطع دیگر مسئولیت تروریسم، روزگاری بهتر از هم پیمانان عرب خود سوریه و لبی ندارد. وحدت مصلحتی آن با سوریه در کشمکش بر سر نفوذ در لبنان در حال فرو ریختن است. جمهوری اسلامی دیگر خودش چندان نفتی صادر نمی کند که بتواند بخشی از آن را را یگان یا ازان در اختیار سوریه بگذارد. سوریه هم پولی ندارد که بتواند بیای نفت ایران را بپردازد. نیز اوضاع اقتصاد دی رژیم اسلامی روز به روز بدتر می شود. برنامهای در زمدت پیشکش، رژیم در آره امور روزانه نیز فرو مانده است.

جنگ قدرت، بی آنکه خمینی دیگر نتواند در آن به نحو تعیین کننده ای مداخله کند، توان رژیم را چنان می فریاد کند که آن به عنوان "جبهه دیگر جنگ" با می کنند. در جبهه اوقی جنگ، مدتها هزا رنفرها منتظر "حمله نهایی" روز و شب می گذارند، بی آنکه حمله نهایی در چشم ندازد. گفتند می شود که سودی ها و کوپت های پیشنهاد افزایش قیمت را از سوی جمهوری اسلامی بدین شرط پذیرفته اند که رژیم تهران حمله نهایی یا حتی حمله ای بسزرگ را از دستور کار جنگی خود حذف کند. رژیم تهران فعلاً زبیرا این خواست و نقشه است. رژیم تهران با یا بدخوا ب مردمی را بدیده که در صفا های طولانی مواد دخوراکی را منتظر را بستانده اند چو اب به اصطلاح لشکر یا اسلام را که در کتا رمز برای حمله تعیین کننده چشم برآهند، تاکنون اگر مردم منتظر در صفا های مواد دخوراکی نمی توانست راضی کند، دست کسب می توانست شعله های جنگ طلایی را در جوانان مغز نشونی شده و آفسون زده تا حدی فروزان نگا هدارد. ولی اکنون نه آن ها راضی اند و نه این ها. اگر بخواید هم چنان دل دانشجویان خط امام را بدست آورد، به سلاح مورد نیاز، به زبرد ا تحت وام ا رودیف و چیزهای سی از

### آغاز گرهائی ۱۸۰ درجه ای



جمهوری اسلامی دیگر میدی ندارد. بتواند کار جنگ را ا سال بکمره کند. ناسا مانی اقتصاد دی دلیل دیگر بر بی علاقگی جمهوری اسلامی به این نبرد بی انجام است. گزارش نا مبرده می افزود: ناظران سیاسی بیانات اخیرها شمی رفسنجان ی پیا می آشتی جو یا نه برای ایسالات متحده آمریکا و متحدان محافظه کار عرب آن تلقی می کنند. نقل قول روزنامه کیهان از صدای آمریکا همین جا بیان می گیرد، حال آنکه در جمهوری اسلامی این تازه آغاز ماجراست. بسینیم چرا نخست اینکه جمهوری اسلامی دیگری برای همیشه دریا فته است که آن بی سروری نهائی که مدام وعده اثر را به مردم می داد، نه تنها ا حلال بل که در سال های دیگر نیز بدست آمدنی نیست. بس با بد جنگ را، پیش از آن که فاجعه از این هم بزرگ تر شود، به گونه های پایان بخرشد، یعنی به گردشی صد و هشتاد درجه ای دست بزنند تا موضوع " جنگ، جنگ تا پیروزی " به موضوع " صلح بدون پیروزی " برسد. طبعاً این کار بدون مصاف ها و درگیری های داخلی میان جناح های گوناگون میسر نخواهد بود. به جای آن که جنگی به

دو کپهان تهران گزارشی از روزنامه آمریکا که کریستن ساینس مانیتور دربار ره سیاست خارجی و سیاست جنگی جمهوری اسلامی چاپ شده است، چاپ این گزارش خالی از معنی نیست: خا صه آن که این نقل به وساطت رادیکالیسم آمریکا صورت گرفته باشد، روزنامه کیهان (جا تهران) از قول این رساله های خارجی می نویسد که علامه آذنا ده وزیر نفت جمهوری اسلامی، در ژنو با وزیران نفت عربستان سعودی و کویت دیداری جداگانه داشت و این نخستین بار است که جمهوری اسلامی، عربستان سعودی و کویت در مذاکراتی جدی، هرچند بی سرور صد شرکت کردند. منظور اصلی این دیدار پیش گیری از با لا گرفتن دوباره جنگ بوده است. گزارشی می افزود: مقام های که با سوریه در تماس اند، می گویند جمهوری اسلامی آمیدوار است طرح مسالمت جو یا نه ای برای منطقه با عراق پیدا کند، و این تغییر موضعی مهم است، زیرا تا کنون جمهوری اسلامی به چیزی کمتر از پیروزی قاطع رضا یست نمی داد. از گزارش های نا مبرده چنین بر می آید که از سوی دیگر سعودی ها و کویت می توانسته اند عراق را قانع کنند فعلاً از حمله های هوائی بیشتر و گویانده تر به تاء سیات ایران دست بردارد. و جمهوری اسلامی نیز تغییر موضعی به راه حلی آشتی جو یا نه را رده می کند. دیپلمات های ایرانی می گویند که

بیروزی نهائی میسر شد، نیز قدرت در داخل دارده مرحله نهائی نزدیک می شود، در این نبرد، رفسنجان یکی از چهره های اصلی است. سخنان اخیر او، وی را چندان چهره رشنه گذشته (۵ نوامبر) هجوم مدها تن ایرانی آواره، با ردیگر سرز ترکیه و یونان را به صورت محنه درگیری و تیراندازی نیروهای پلیس با آن ها در آورد. به گزارش عنا صر ملی، بیش از سه هزار تن از ایرانیان گریخته از جهنم جمهوری اسلامی که برای عبور از ترکیه به مرز آبی این کشور یا یونان هجوم آورده بودند، در تلاش خود شکست خورده و نا گزیر به داخل خاک ترکیه بازگشتند. این گزارش وضعیت هموطنان آواره و فراری را وخیم و اسف بار توصیف کرده می افزایش، ایرانیان فراری در هجوم به مرز آبی یونان و ترکیه تلاش کردند تا خود را با قایق به خاک یونان برسانند، اما به علت تیراندازی پلیس ساحلی یونان، تنها هشتاد و شش تن از آنان موفق شدند به خاک یونان قدم گذارند.

درجه ای از موضع آیت الله خمینی، مدافع جنگ تا آخرین نفس، دور کرده است. آیا خمینی چنان بی نفوذ و قدرت شده است که رفسنجان بی خود جا زده چنین رفتار می دهد؟ به هر حال او با بدیهه وسیله سید احمد خمینی از آنچه در چاربان می گذرد، اطلاعات جالبی داشته باشد. موضع گیری تازه رفسنجان از تروریسم در دفاع توحه است که به تاریخی خمینی به مدافعان صلح با عراق گفته بود که: " تا من زنده ام صلحی در میان نخواهد بود، وقتی که من خمینی را راضی کرده باشم که صلح تن در دهد، بس با بدیهی از این دو مکان را بپذیرفت: یا خطر درگیری با خمینی را بپذیرفته است، یا اینکه خمینی چنان بسا راست که دیگر نمی تواند بر منحنه سیاسی ایران تاء شیری نماید بگذارد. نکته دوم اینکه سوریه به هم پیمان مصلحتی خود جمهوری اسلامی فهمانده است که خود را انقلاب اسلامی او را به هیچ کشوری در منطقه شمل نمی کند. فعلاً در لبنان این از همه جای دیگر آشکارتر است. حکومت جمهوری اسلامی، ایران را به روزی انداخته است که سیاست منطقه ای سوریه را دستا فر شده است. گوشمالی سختی که به نزدیکان آیت الله منتظری، مسئولان رسیدن کار و سفارت سوریه در تهران، دادند، نشان می دهد که رژیم تهران چقدر از دمشق حساب می برد.

سوم اینکه برای نخستین بار است که روزنامه های در تهران گزارشی از روزنامه های آمریکائی نقل می کنند که با محتوای تبلیغات رسمی رژیم نمی خوانند، حتی میگویند آن است، و بسا وجود این از نوشتن حواشی و تفسیر بر آن گزارش خودداری می کنند. بدین ترتیب رژیم، هر چند بطور ضمنی، می پذیرد که جنگ راضی نخواهد بود، کد حمله نهائی روی نخواهد داد، که اوضاع اقتصادی بسیار نا سمان است. چهارم اینکه آمریکا هر چند هم چنان شیطان بزرگ خوانده می شود، ولی رژیم تهران دریا فته است که اگر گنگ ها چشمکی به آن بزنند، دست کم می توانند زمینه ای بسنجد. این نخستین بار نیست که رژیم تهران چنین زمینه سنجی های کرده است. ولی هر بار که خواست در جغرافی به آن سوی آتلانتیک بگشا یید، با واکنش سخت زما مداران ایالات متحده روبرو شد. ریگان بیش از یک بار خمینی را مردی دیوانه و رژیم تهران را رژیم بی مسئولیتی نامیده که مذاکره با آن به جایی نخواهد رسید. واکنش منفی آمریکا از جمله بدان سبب بوده که در تهران حکومتی مرکزی وجود ندارد که بتواند با آن مذاکره ای جدی کرد. و اکنون رفسنجان می خواهد بسا تسلط بر منحنه داخلی به دیگران نشان دهد که حکومتی مرکزی وجود دارد. بیش از اودیگران در این سرا شیب غلبیدنند، ثبوت رفسنجان می خواهد رسید؟

### ایرانیان فراری

سه هزار تن ایرانی فراری و آواره هم اکنون در وضع اسف بار و نا معلومی بسر می برند و منتظرند تا پاید زما نهائی بین المللی برای رها ئی آن ها از وضعیت کنونی دست به اقدام بزنند. از سوی دیگر، به نوشته روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس، دولت یونان دیروز (۶ نوامبر) دولت ترکیه را متهم کرد که به سوی پنا هندگان ایرانی در مرز بین ترکیه و یونان تیراندازی کرده است. از یک ماه پیش ۳ هزار ایرانی جلا ی وطن کرده بد امی دور و دیه یونان در مرز ترکیه و یونان بسر می برند. ترکیه دیروز (۶ نوامبر) بلافاصله اتهام یونان را رد کرد و اعلام داشت، دولت یونان با پذیرفتن پنا هندگان ایرانی گنا هینون زنو در آورد پنا هندگان را زیر پا گذاشته است.

همسپان عمر ۱  
مرور نفس حری سید منا و مد  
ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح  
سارا در هرمان آفرین سرهای  
ایران و جهان در می دهد.  
خاره نفس  
۸۵-۸۵-۳۶-۴۳ فارس





## سقوط منتظری؟

هفته‌ها مه‌اگونومیست دربارها و فضاغ ایران پس از خمینی چنین می نویسد: کوشش‌های رژیم جمهوری اسلامی بسرایی تعیین جانشین آیت‌الله خمینی در جنگ قدرت وحشیانه‌ای که در درون رژیم جریان دارد، به شکست انجامید. منتظری رسد که جانشین رسمی خمینی، آیت‌الله خمینی منتظری، از سوی شخص "رهبرانقلاب" کنا رگذاشته شده است.

روز ۵ آبان رادیو جمهوری اسلامی اعلام کرد که خمینی دستور داده است تا هیئت‌های مأمور رسیدگی به اتهام‌های سنگین بعضی از خویشان و همکاران منتظری شود. این عده که هدف اتهاماتی چون قتل و خیانت و فعلی است و خرابکاری‌ها را نه قرا رگرفته‌اند، دوهفته‌ا زل زده در دستور خمینی دستگیر شده بودند.

اگونومیست می نویسد: در این تندبادهای مخوف که در درون طبقه حاکم می گذرد، مسائل و خیمی که کشور را آنگاه روبروست، مانند جنگ با عراق، اقتصاد فلج شده و بیست‌سیاسی، به هیچ وجه محلی از اعراب ندارد. این واقعیت‌ها نشان می دهد که نزاع بر قدرت در ایران انقلاب زده هنوز شدت وحدت پیشین را از دست نداده است. در آبان ماه سال گذشته منتظری توسط ۸۳ تن عضو مجلس خبرگان که همگی را شخص خمینی دست چین کرده بود به جانشینی وی انتخاب شد. مقام وی در تیرماه گذشته تاه بید شد. اما اکنون منتظری رسد که در این مقام چندان ماندنی نباشد. منتظری هنوز شخصاً "روسا" از مقام خود خلع نشده است و گفته می شود که خمینی استعفا وی را در روز ۲۶ مهرماه گذشته نپذیرفت. دلیل این استعفا شرواح است زیرا اگر خمینی استعفا منتظری را می پذیرفت قبول کرده بود جانشین نا لایقی برای خود بزرگزیده است و شهرت وی به معصوم بودن و وفاداری پذیر بودن خنده دار می شد و با وارد آوردن اتهامات خصمانه به حامی خود در واقع کار خود را خراب تر می ساخت. انتخاب منتظری از سوی خمینی همواره جنبه‌ای دوپهلوی داشته است. در حقیقت، خمینی با انتخاب منتظری به یک باره وقتاً را وفرما نبرد و خود را داش می داد. این انتخاب به دلیل امتیازاتی که برای احراز این مقام لازم است، انجام نگرفته بود. منتظری از علم، تقوی و نفوذی که برای رهبری جمهوری اسلامی در آینده لازم است بی بهره است. منتظری حتی وزن و وقتاً شخصی لازم را ندارد و همه جا از وی به عنوان گربه تره بیسار می شود. رفتار وی بسا از احراز مقام جانشینی مخالفت بسیاری از مقامات قدرتمند رژیم را برانگیخت. منتظری در شهر قم برای خود درباری بوجود آورد که

**رادیومحلی نهضت و دانشگتن**  
رادیو ایران - رادیو مجلسی  
نهضت محلی ایران نا خدی  
وا سنگتن - سرچینا - مریلیند  
بگشیده‌ها - از ساعت ۱۵ تا ۱۱  
با مداروی موج متوسط ۱۴۵۰ -  
W.O.I.

در آنجا حتی سفیران خارجی را بختسور می پذیرفت و چنان در امور رسمی و اداری به دخالت می بردا خت که گویی تمام قدرت را در اختیار گرفته است. رقیبان اصلی او، علی خامنه‌ای رئیس جمهوری و هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، از اینکها و با این طاب خود را بدار می زند تا دمان بودند. ربودن کار را رسا رت سوریه در تهران که روز دهم مهرماه اتفاق افتاد، اولین حلقه از زنجیر گرفتاری‌ها بی ست که اکنون گریبانگیر شده است. هنگامی که این واقعه رخ داد، بعضی مسئولیت آن را متوجه مهدی هاشمی، برادرها دی هاشمی، دا سا دورشیس دفتر منتظری دانستند. مهدی هاشمی در عین حال عهده‌دار سرپرستی دفتر کمک به جنبش‌های آزادی بخش اسلامی بود. نام مهدی هاشمی در صد و فخر است اما می گمانی بود که با بست پس از این آدم ربایی، در قم و تهران دستگیری شدند. در این فهرست نام برادرش هادی، دو نماینده مجلس و شش نفر از هم‌تراش م‌سعید پس از آیت‌الله منتظری نیز دیده می شد. پس از آنجا دستگیری‌ها، منتظری برای دیدن خمینی و آزاد کردن دستگیرشدگان به نزد خمینی رفت، اما جواب برد نشد. مطبوعات رسمی رژیم تهران ملاقات منتظری و خمینی را گزارش کردند اما در باره موضوع این ملاقات و با زدا نت‌ها سخنی نگفتند. تا آنکه روز ۵ آبان را دی‌بودلنتی تهران اعلام کرد که ریشه‌های و زیر اطلاعات و امنیت از خمینی تقاضا کرده است برای رسیدگی به پرونده‌های نزدیکان آیت‌الله منتظری دستورالعملهای لازم را بدهد. زنا هموزیر اطلاعات به خمینی چنین برمی آید که دستگیری‌ها با اطلاع و موافقت شخص خمینی صورت گرفته است و در آن از اتهاماتی چون "اقدام به قتل پیش و پس از انقلاب، آدم‌ربایی، در اختیار داشتن اسلحه غیرمجاز، جعل اسناد و اقدام به ایجاد تفرت در مملکت" سخن رفته است. عده‌ای از افراد این گروه متهم به همکاری با ساواک شاه نیز شده‌اند. پاسخ آیت‌الله خمینی که البته بسیار بهره‌بردار می‌توانست فراوان منعکس شد، به وزیر اطلاعات، آزادی و قدرت کامل می داد که زهمه‌ها زدا نت شدگان با زوجی و با زیرسی به عمل آید. در این پاسخ آمده است که وزیر اطلاعات موظف است رهبران گروه و نیز همکارانی را که در شا یعه‌های و اقدامات دیگری نقشی دارند مورد تحقیق قرار دهد.

آیت‌الله خمینی در نامه خود افزوده بود که سو ظن‌هایی که به این بازداشت‌ها منجر شده، موجه است، زیرا عناصر ضد انقلابی وابسته به گروه‌های پس از بازداشت‌های به ایجاد جوسوم و منحرف کردن مردم از جاده انقلاب دست می‌زده‌اند. از این سخنان قاطع چنین برمی آید که آیت‌الله خمینی اطرافیان بازداشت شده، منتظری را نه به عنوان یک مشتک منحرف و جدایی طلب، بلکه به عنوان طراحان توطئه‌های فوق العاده علیه رژیم خود می‌نگرد. و تعدادی زدا نت‌هایی که در این رابطه رخ خواهد داد، می‌توانند مرا وان باشد.

اگونومیست در پایان می‌نویسد: گفته می‌شود که سقوط منتظری، به هاشمی رفسنجانی بیش از همه بهره‌خواهد شد و شاید وی محرک اصلی سقوط منتظری بوده است.

اگونومیست - اول نوامبر ۱۹۸۶

## جنگ جناح‌ها

مفسر وال استریت جورنال، روزنامه آمریکایی چاپ اروپا، در تفسیری پیرامون جنگ جناح‌های قدرت در درون رژیم اسلامی تهران می‌نویسد: هاشمی رفسنجانی و میرحسین موسوی درباره آزادی‌های گروگان‌های آمریکایی اسیر در لبنان، سخنان ضدونقیض گفته‌اند. چهار رشنیه گذشته (۵ نوامبر) میرحسین موسوی، نخست‌وزیر رژیم تهران اظهار داشت که امکان هیچگونه مذاکره‌ای میان جمهوری اسلامی و آمریکا وجود ندارد. وی گفت رابطه میان آمریکا و جمهوری اسلامی، به رابطه میان گرگ و بیره می‌ماند. ما هیچ گفت‌وگویی با آمریکا نداریم، مگر در چارچوب قرار داد الجزایر و نگاه راه.

مفسر "وال استریت جورنال" می‌نویسد: اظهارات میرحسین موسوی که بیست و چهار ساعت پس از سخنرانی هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی به عمل آمد، از ریشه‌ها آنچه رفسنجانی گفته بود، فرق داشت. رفسنجانی گفته بود هرگاه آمریکا چند شرط رژیم تهران را نماند، می‌تواند جمهوری اسلامی آماده است نفوذ خود را برای آزادی‌های گروگان‌های آمریکا اسیر در لبنان به کار باندازد. مفسر وال استریت جورنال می‌نویسد: نظریات ضدونقیض دور رهبر جمهوری اسلامی نشانگر آن است که در پشت پرده رژیم، جنگ قدرت هراس‌انگیزی در جریان است.

## جناح‌های قدرت

هفته‌نامه اکسپرس، چاپ پارسیس، در گزارشی زیر عنوان: "کشمک جناح‌های قدرت در جمهوری اسلامی"، می‌نویسد: عناصر تندرو در بطن رژیم تهران تلاش می‌ورزند که زیر پای منتظری، جانشین تعیین شده آیت‌الله خمینی را خالی کنند.

جمهوری اسلامی تنها در با تلاق‌های شط العرب دست و پا نمی‌زند. وخامت وضع مزاجی اما خمینی، آتش جنگ جانشینی را از شوشه و رسا خته است. توطئه‌ها، دسیسه‌ها و دام‌گذاری‌های رذیلت‌ناخواه نردانه افزون شده است و جبهه‌تازایی را میان جریان‌های مخالفی که در دستگای سیاسی جمهوری اسلامی حضور دارند، گشوده است.

از آخرین رویداد بگویم: روز بیست و ششم مهرماه گذشته، در بلندی‌های چاران در شمال پایتخت ایران، رهبر انقلاب، آیت‌الله منتظری را به حضور می‌پذیرد. آیت‌الله منتظری در تیرماه گذشته رسماً در منصب خود، به عنوان جانشین آیت‌الله خمینی، تثبیت شده است. لحن گفت‌وگوی خمینی و منتظری در این دیدار، مودت آمیز است، اما آیت‌الله خمینی به میهمانش اطلاع

می‌دهد که امروز با ید مسئولیت‌های بیشتری بر عهده‌گیرد. منتظری قبول می‌کند و آنگاه فرصت را غنیمت شمرده، موضوع دستگیری سه تن از نزدیکانش را مطرح می‌کند. یکی از این سه تن، مهدی هاشمی، رئیس دفتر کمک به جنبش‌های آزادی بخش اسلامی است که به حزب الله لبنان و ایوبیسیون مذهبی عراق باری می‌دهد. هوشه‌تن به قتل و آدم‌کشی، آدم‌ربایی، صاحب غیرقانونی اسلحه و جعل اوراق و اسناد متهم شده‌اند. سزای این اعمال، مرگ در برابر جوخا اعدام است.

چند روز بعد، بیر مردجما را در با سخ کنشی به نامه ری شهری، وزیر اطلاعات و امنیت رژیم امرمی کند که عدالت اسلامی در باره با زدا نت شدگان در جریان خود را طی کند.

اکسپرس می‌نویسد: همزمان با این دیدار، دفتر امام به همه رهبران سیاسی، مذهبی و نظامی ابلاغ می‌کند که تمام س‌های بیشتری با آیت‌الله منتظری بگیرند و کمتر ما به تصدیق و موجب مزاحمت امام را فراهم آورند.

روز سی‌ام مهرماه گذشته نخست‌وزیر و رئیس جمهوری رژیم رهسباً رقم می‌شوند، اولی به قصد ارا شه‌گزارشی درباره نتایج بازدیدش از جمهوری دمکراتیک آلمان و مجارستان و دومی به منظور طرح و بررسی مسائل حائز اهمیت.

روز بیست و هشتم مهرماه، شماری از نویسندگان و خبرنگاران روزنامه‌های فرانسوی از جمله لوموند و رادیوهای ایوبیسیون ایرانی، این گزارش را دریافت می‌دارند که آیت‌الله منتظری روز ۲۶ مهرماه به علت آن که خمینی از آزاد کردن یاران و همکارانش خودداری ورزیده، کناره‌گیری کرده است.

اکسپرس می‌نویسد: حقیقت آن است که خبرکناره‌گیری منتظری را احمد خمینی از دشمنان وی به بیرون در زدا ده است. هدف روشن است: خالی کردن زیر پای جانشین امام و فرود آوردن ضربه‌ی سخت بر کبوترهای رژیم که با هوا داران خط افراطیون می‌جنگند. افراطیون رژیم، با تمام نیروی خود می‌کوشند هرگونه تلاش در راه عادی سازی رابطه پاریس-تهران را درهم شکنند.

اکسپرس در پایان می‌نویسد: به هر روی منتظری هنوز ولیعهد امام است، اما این زور آزمایی جدید، از شدت نبرد قدرت در درون رژیم، خبر می‌دهد.

## بازداشت‌ها

خبرگزاری فرانسه به نقل از منابع بسیار موثق ایوبیسیون در خارج از کشور گزارش داد که بدینال با زدا نت مهدی هاشمی و گروهی دیگر از نزدیکان آیت‌الله منتظری، در هفته‌های گذشته جدا ندر ایران دستگیر شده‌اند، براساس همین گزارش عده‌ای از فرما ندها ن سبگاه پاسداران نیز در جبهه‌ها توقیف شده‌اند و بقیه در صفحه ۱۰

### دیوان شمس:

## فروشنگ آبروان

محمد جعفر حاجوب

## شمس بی بیه بلندی خورشید

در این سلسله مقالات از مولانا جلال الدین و مثنوی گران پایه، او، که وی خود آن را "شردیان آسمان" می خواند سخن در میان آمد. اما در جایی که گفتگو از مولانا است، در بخت است که از دیوان غزل ها و ترجیعبات و ترکیب بندها و رباعی ها و اوچیزی گفته نشود.

دیوان مولانا، به نام دیوان کبیر، با دیوان شمس تبریزی معروف خاص و عام است و هیچ خواننده و جوینده ای در آغاز کار نمی تواند حدس بزند که گوینده دیوانی بدین عظمت شمس تبریزی نیست، و دیگری، کسی که شیفته و شیای او بوده این همه غزل را به عشق او، به یاد او، و به سودای او و مال یا از در هجران او به نظم آورده است. اما حقیقت همین است که گفتیم.

مولانا جلال الدین، نه تنها تا چهل سالگی شعری نگفته بود، بلکه روشی و روشی و تحولات و افکار او با این کار منافات داشت. البته وی بر اثر تربیت پدرش بهاء الدین حسین معروف به بهاء، ولد و پسر آن در تحت ارشاد دوران دمای شاکردوچا نشین بسر برد. بهاء الدین محقق ترمذی با اصول تصوف آشنا شده بود. اما تصوف پدر و خلیفه او، به آن شور و شیطانی، اشتیاق و شوخنگی که دل دردمند مولانا را کاشون خود ساخت و باقی عمرا و آشفته رویی قرار نگذاشت، از زمین تا آسمان تفاوت می داشت.

گوینده وقتش بهاء ولدیه سلطان محمد خوارزم شاه هجرت کرد و در بلخ بیرون آمد و در آن سرزمین های غریب در پیش گرفت، در نیشا بورا ز شیخ عطا ریدار کرد. شیخ مقدم بهاء الدین حسین را گرامی داشت، در آن هنگام مولانا کودکی دهه دوازده ساله بود. عطا رکتاب سرا بنده خود را بدو اهدا کرد و بهاء ولد را گفت: زود با شکره این طفل آتش در سوختگان عالم زند، این داستان خواه حقیقی و درست باشد خواه پس از نام بر آوردن مولانا به نام عمری و دست گیری سالکان ساخته شده باشد، در هر حال پس از مدتی دراز، در آغاز دوران بلوغ عقلی و کمال فکری و ذهنی شاعر، به حقیقت پیوست، از دیدار شمس آتشی در جان مولانا افتاد که شعله آن در سوختگان عالم گرفت و پرتو آن جان عارفان و عاشقان جهان را روشن ساخت.

درواقع نیز نخستین دیدار مولانا و مرشدش شمس الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی یکی از شگفتی های جهان است. مولانا کم کسی نبود. در سرزمین غربت، هزاران فرسنگ دور از دیوم جلی وی سیمداش گرد در مجلس درس حضور می یافتند و از احترام و قدر او رچی بی مانند برخوردار بود. اما دیداری کوتاه با درویشی ناشناس که شهریه شهر می گشت و از نظرها سخت بینگان می رفت، به یک باره او را سراپا دگرگون کرد.

طبع افسانه ساز زو خرافه بیند مردمی که این گسونه تفسیرهای درونی در مدتی چنین کوتاه برای ایشان با ورگردنی نبود، در این باب افسانه ها ساختند: روزی مولانا در خانه نشست و بود که بی چندگرده خویش داشت و طلب علوم در خدمتش بودند. ناگاه شمس الدین تبریزی درآمد و سلام کرد و به کتک اشارت کرده پرسید: این چیست؟ مولانا گفت: تو این ندانی. هنوز مولانا این سخن تمام نکرده بود که آتش در کتک و کتا ب خانه افتاد. مولانا پرسید این چه باد؟ شمس الدین گفت: تو نیز این ندانی، و برخاست و برفت.

شیفته خود ساخت، ایام بیبوستگی مولانا با شمس بیست و سه سال نبود. در این سه سال مولانا پروا نداشت و در عشق شمس می سوخت و از همه چیز و همه کس روی برتافت و بود و پروای هیچ کس و هیچ چیزی نداشت.

اما چون مولانا مریدان فراوان داشت که او را مرشد و مقتدای خویش می شمردند و اینک می دیدند که مولانا از نظرایشان - به دام درویشی بی سودایی نام و نشان افتاده و به دیگران نمی بردارد، ناگزیر همه پیغمه کردند و زبان به اعتراض گشودند. اندک اندک در عیاب شمس الدین، و گاه در خوروی سخن ها گفته و دشنام ها و بدگویی ها آغاز شد، تا سرانجام شمس از مریدان شادان مولانا رنجیده خاطر شده در او خرابی ۶۴۳ به دمشق رفت.

مولوی در فراق آفتاب طلعت شمس ذره و اریه چرخ افتاده قرار او را از دست برداد. عشق هستی گداز با فراق آرام سوز دست به هم داده شمع وجود او را چندان بسوخت که در آتش درویشی زیاده این ترانه بر زبان می گذشت: "خام بدم، پخته شدم، سوختم." (از مقدمه استاد بهایی بر غزلیات شمس تبریزی)

این یک نمونه از غزل های است که مولانا، جوشان و خروشان و چرخ زن در فراق شمس الدین سروده و او را به سوی خود خوانده است: ای آن که از میان نگران می کنی، مکن بر ما زخمی روی گران می کنی، مکن از زجرها م ساط و طرب می بگیری، مبر سرعاً ز زجر درد نشان می کنی، مکن گویی جو تیر است سواند رهسوی ما، تو، تیر است را جوقمان می کنی، مکن گویی خموش باش، خموشی نمی هلد هر موی را، ز عشق، زبان می کنی، مکن مخدوم شمس دین، شمس تبریزی تا زین

چون شمس زیرا بر نهان می کنی، مکن اما فراق شمس الدین مولانا را چنان بی تاب و بی خود کرده بود که به هیچ روی پروای دیگران نداشت و حالت بی اعتنائی وی به مریدان از روزگار اقامت شمس در قونیه نیز بیشتر شد و شب و روز را در غزل سرایی و شوریدگی وی قرار می گذراند.

مولانا از دیدار شمس جانانی تازه گرفت و آرام شد و با وی حال ها کرد و سماع ها نمود. مریدان نیز سخت بر در شمس به توبه ایستادند و تحفه ها آوردند، اما با زچیزی نگذشت که از دستیزگی در آمدند و آتش کینه نیز شد چنان که یک بار به ملامت و منازعت برخاستند و قمع جان وی کردند.

آخته سر، دل دل گنان بی اختیار از قونیه در جستجوی معشوق به تمام روانه و دخلی بسا در ربیش روان شدند چنانکه جذبه وی دردمشق جمعی را شیفته ساخت و همه کس را حیران کرد که شمس تبریزی خود چه آفتابی است که این خورشید را فروز را دره او را سرچرخ آفتاب، مولانا دردمشق شمس را نیافت و با زبانه قونیه بازگشت و همچنان سالی چند در کیش و جوش عشق بود.

دو باره به بهاء دمشق بی اختیار از قونیه به دمشق رفت و با زگرویی در کاتبش به دمشق شدند. ماه ها دردمشق ساکن شد و سپس به قونیه بازگشت مولانا دوبار به جستجوی شمس به دمشق رفت و میان این دو سفر چند سال فاصله افتاد و این مسافت ها چنانکه سلطان ولدی گوید در مسافت هفت سال فاصله میان نا بدید شدن شمس یعنی از ۶۴۵ تا ۶۵۲ که آغاز مصاحبت مولانا با شیخ صلاح الدین است اتفاق افتاد.

پس از آن که مولانا بکلی از با زبانه فتن شمس نومید شد رفت و رفته به یکی دیگر از دوستان و با آن بگداز خود، شیخ صلاح الدین نریدون زکوب دل بست و او را به مصاحبت برگزید و می گفت: آن شمس الدین که می گفتم می گفتم به صورت صلاح الدین سیدار شده و مرا آرا می می بخشد.

اتفاقاً صلاح الدین زکوب نیز خط و سواد دنداشت و در دکان زکوبی کار می کرد و گاه در سخن گفتن الفاظ را نیز غلط می گفت، گویند که وی "مبتلا" را "مفتلا" می گفت و مولانا نیز برای رعایت خاطر او این کلمه را مفتلا تلفظ می کرد و زبان به ستایش او می گشود: یکی گنجی بدید آمد در آن دکان زکوبی زهی صورت زهی معنی زهی خوبی زهی خوب زهی با زار زکوبیان، زهی اسرار بیخوبیان که جان بسوفا از عشقش برآرد شور بیخوبی ز عشق او و عدلیلی چو میخون بندگی در دگر این آتش زبون آید سوری های ایوبی سده زکوب و حق مانده، تفتن چون زورق مانده حواهر بر طبق مانده حوز زکوبی کتروبی بیاسوا زعاشق را که تو جانی حقایق را

بزن گردن منافع را اگر از وی بیاشوبی می دانیم که چکش کاران - اعم از آهن گرو مس گرو نقره ساز و زر کوب - چون ساعت ها چکش می زنند، برای آن که کمتر خسته شوند با زکار خود را با آهنگ فرود می آورند، و گاه آهنگ آن را تغییر می دهند، و هر کس که آهنگی به صدای بتک آهنگران یا چکش سگران دوا نگران گوش فرا داده باشد این نکته را در یاد داشته است. ظاهر است که صلاح الدین زکوب \* نیز در دکان زکوبی به چکش کاری اشتغال داشت. نوشته شده که روزی مولانا با یاران از با زار می گذشت، گذارش به دک، صلاح الدین زکوب افتاد چون آهنگ چکش او را بشنید و وجد آمد، با آن را بفرمود که در گذرگاه عام دست ها را به هم نزنند و دایره ای ساختند و مولانا در میان آن به صورتی که هنوز در میان درویشان مولویه معمول است بهرقص و چرخ درآمد.

اما مصاحبت مولانا با صلاح الدین نیز ده سالی بیش نکشد. وی در این مدت خلیفه و همدم مولانا بود. سپس رنجشور گشت و به همان بیما ری گذشت، مولانا فرمود تا جنازه او را به روش موفیان با دست افشانی و پوای کوبی به گورستان برده و دفن کردند. اما خود در فراق خلیفه محبوب خویش این غزل را سرود: ای ز هجران زمین و آسمان بگریسته دل میان خون نشست عتل و جان بشریسته چون به عالم نیست یک کس مرگمانت را عرض جبرئیل و قدسیان را بال و پیرا زرق شده اندرین ماتم در رخ تاب گفتارم نماند تا مثالی وانما یکمانچنان بگریسته چون ازین خانه برفتی سقف دولت برکت لاجرم دولت سراهل امتحان بگریسته در حقیقت مدجیان بودی شبودی یک کسی دوش دیدم آن جهان بر این جهان بگریسته چون ز دیده دور گشتی رفت دیده دریت چای بی دیده همانده خون حکان بگریسته ای دروغای دروغای دروغای دروغ رحمان هم عیان حتم گمان بگریسته نه صلاح الدین بر نسی ای همای کرم پرو از کمان جستی حوت پروان گمان بگریسته پس از گذشت صلاح الدین، مولانا به صحبت چلیبی خسام الدین حسن سرگرم شد و او را به جانشینی خویش برگزید. وی نیز ده سال مصاحبت مولانا بود و این با مولانا بود که ای همدمی و همزیانی را ترک گفت. وی در روزیک شنیده



بحران رژیم اسلامی چنان بالا گرفته که در روزنامه کیهان (جانب تهران، مسورخ ۲۹ مهر ۶۵) نیز منعکس شده است. عنوان مقاله: روزنامه‌ها سبزه این است:

"سکوت دستگاه‌های اجرایی و افزایش شایعات - دوروی یک سکه". مقاله، نخست به وضع بد اقتصاد و بیامدگی اجتماعی خیران اشاره می‌کند. می‌نویسد:

"مجموعه شرایط اقتصادی، بیگساری مزمز و گسترده، تورم فزاینده، کاهش سطح تولید، کاهش قدرت خرید، سبب گردیده است که طبقه متوسط هدف شود و حرکت درجهتی انجام گیرد که "جامعای مرکب از اکثریتی محروم و بی چیز و اقلیتی محدود و دارای ثروت‌های افسانه‌ای" بوجود آید.

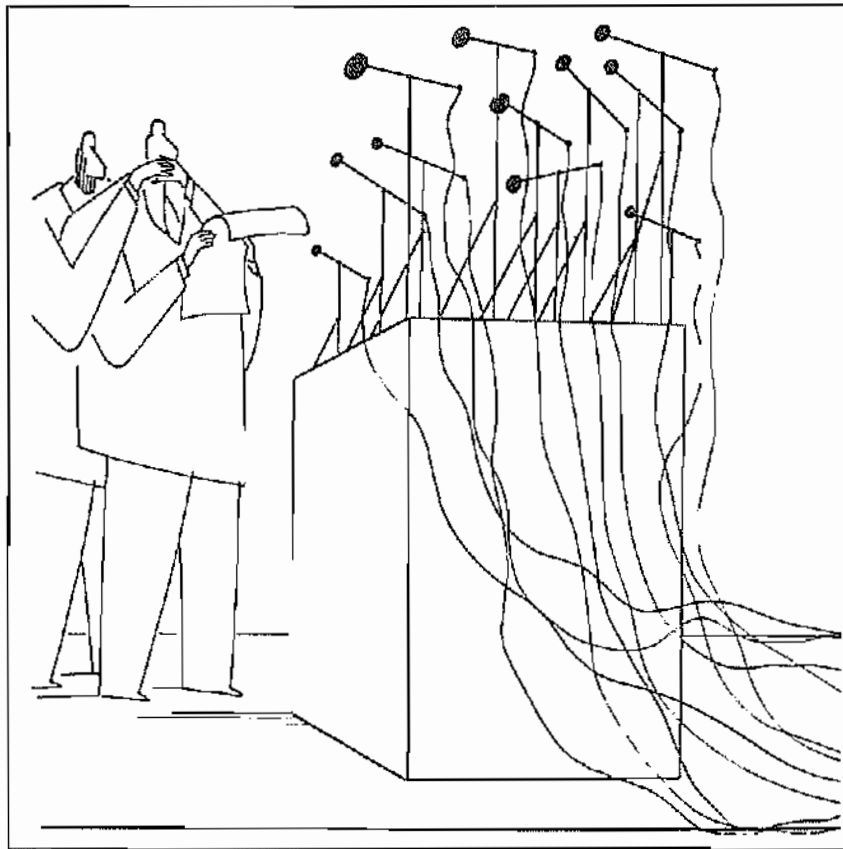
به نوشته روزنامه، مصدوم شده کیهان‌چاب تهران، بیگساری نه تنها گسترده است، یعنی شامل قشرهای وسیعی از جامعه ایران می‌شود، بلکه مزمز نیز شده است، یعنی از این دولت برای درمان آن دیگر هیچ کاری ساخته نیست.

معمولاً در اقتصاد چنین است که به هنگام رونق تولید و بالا رفتن قدرت خرید، قیمت‌ها نیز بالایی روند. اما در اقتصاد عدالت اسلامی رژیم تهران قیمت‌ها مدام قوس صعودی می‌پیماید، بی آنکه از افزایش تولید و قدرت خرید خبری باشد. در کنار بارز ررسی ساده و بی‌رونی، بازاریبانه‌ها بیروبر رونقی بوجود آمده است که در نهایت سبب خواهد گردید که فقیران فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر شوند.

امروز، به رغم تاخیر کیدمدام تبلیغات رسمی بر حمایت از تپه‌ی دستان و محرومان جامعه، اقتصاد رژیم اسلامی در چنین جهتی حرکت می‌کند. وظیفه "در ذهن همه" آن کسانی که انقلاب نوین زندگی بهتری بدانان می‌داد، این پرسش مطرح است که کدام سیاست باعث شده است چنین وضعی بوجود آید. ولی مسئولان رژیم به جای آن که به این پرسش بپردازند

# بحران رژیم

Facebook.com/BehroozRajabpour



وضعیت اقتصادی کشور "از کدام روست؟ نویسنده مقاله، هر چند به تلویح، می‌گوید پیش از آن که بنزین کوپنی شود، شایعه کوپنی شدن بنزین رواج یافت، و به همین سبب با شایعه کوپنی شدن نان راکه، البته به وسیله "فدا انقلاب" پراکنده شده است، جدی گرفت.

فکر می‌کنید که دولت شایعه کوپنی شدن نان را تکذیب کند، فایده‌ای خواهد داشت؟ مگر همین دولت شایعه کوپنی شدن بنزین را با قوت تمام تکذیب نکرد؟ ولی سرانجام، ورقه‌های کوپن بنزین واقعیتی ملموس‌تر و باورکردنی‌تر از تکذیب دولت از کسار درآمد. تاکنون نیز دولت شایعه کوپنی شدن نان را تکذیب کرده است. لیکن هم‌اکنون در بسیاری از نواحی، به هر نفر بیش از چهار نان نمی‌دهند، و این در حالی است که به علت گرانی فوق‌العاده برنج و سیب زمینی، نان غذای اصلی روزانه اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد.

به نوشته این روزنامه، سیاست دولت سبب گردیده است که در جامعه یک جو مسموم و مضر "بوجود آید که، با زهم به قول همان روزنامه، "جز محافل ضد انقلابی و هواداران مبریا لیم" از آن سودی نمی‌برند.

در مقاله آنگاه از سردمداران رژیم خواسته شده است که "با این جو مسموم به مبارزه برخیزند و این آفاق تیره را روشن سازند". زیرا زمستان در پیش است و سوای کمبودهای دیگر، کمبود سوخت نیز چهره سرد و تهیدید کننده‌اش را نشان می‌دهد.

"در شرایطی که ملت ما بیش از پیش به وحدت و یگانگی نیازمند است و تفرقه و عدم اعتماد می‌تواند به فروپاشی بسیاری از بنیادهای سیاسی بینجامد، پذیرفتنی نیست که مسئولین سیاست محدودسازی اطلاعات و بیان حقایق را در پیش گیرند."

همین روزنامه می‌افزاید: "سیاست سکوت و امتناع از بیان نارسائی‌ها به صورت زوال تدریجی اعتماد متقابل میان مردم و مسئولین بروزی نماید". سپس می‌پرسد در حالی که مردم به چشم می‌بینند که روز به روز وضع اقتصادیشان وخیم‌تر می‌شود: "وارونه جلوه دادن

در سطح جامعه یا سخن درخوردند، سکوت می‌کنند و یا اگر سخنی بر زبان جاری سازند، دروغ می‌گویند.

دروغی که مسئولان رژیم اسلامی می‌گویند، از رسواکننده‌ترین نوع آن است، یعنی در حالی که خودشان می‌دانند دروغ می‌گویند، شنوندگان هم می‌دانند، در بازاریبانه‌ها دروغ می‌گویند، در خاصی دارد: هر قدر بخواهی تولید می‌شود، اما خریدار ندارد. ملموس‌ترین و منطقی‌ترین نتیجه این امر همان بحران کیهان است که نویسنده مقاله روزنامه کیهان از آن هراسناک است و به دولت هشدار می‌دهد. می‌نویسد:

با این که مولوی چندین درجه از مکتب این اصطلاحات بالاتر رفته بود می‌گفت: آفت ادراک آن حال است قال.

بهرتر آن است که ما نیز در این سخن را فراهم آوریم و با مختصراً نتایجی از دیوان کبیری گفتار خویش را پایان دهیم:

اینجا کیست پنهان دامن من گرفته خود را بس کشیده پنهان من گرفته اینجا کیست پنهان جان و خونت را ز جان با غمی پنهان نموده ایوان من گرفته اینجا کیست پنهان همچون خیال در دل اما فروغ رویش ارکان من گرفته اینجا کیست پنهان مانند قند در لب شیرین سگر فروشی دکان من گرفته حاد و چشم بندی چشم کشش شبند سوداگریست موزون میزان من گرفته در حتم من نیاید خوبان جمله عالم بگر خیال خویش مزگان من گرفته من خسته گرد عالم در مان ز کس ندیدم تا درده عشق دیدم در مان من گرفته بشکن طلسم صورت بگشای ختم سیمرت تا شرق و غرب بینی سلطان من گرفته باقی عیب بینی پیدا سلام کرده پیمان‌ها مگرده پیمان من گرفته پاران دل سکنه برمدر دل سکنه مستان رمی برستان میدان من گرفته تریز من دین را بر جرح طاس بینی اسراق نور رویش کیهان من گرفته

دلارو رویمان خون شو که بودی بدان صحرا و جانم من شو که بودی درین خاکستر ضعیی چه غلطی

## دیوان شمسی:

### شعری به بلندی خورشید

پنججمادی ال آخرال ۶۷۲ هجری غروب دعوت حق را اجابت کرد و روی درنقاب خاک کشید، این حساب‌الدین است که مولانا را به سرودن مثنوی تشویق کرد و تا همین جا که مثنوی رسیده است، اثر صحبت و همدلی و همدلی حساب‌الدین با مولانا است.

بزرگ مردی چون استاد دجلال الدین همایی در باره مولانا و شعرا می‌نویسد:

"تمام نشیب و فرازهای راه عشق را از اولین منزلت سرمستی، نشاط و مال و پای کوبی و دست افشانی و جدو حال تا آخرین درجه، سوز و گداز زجران و فراق، همه را پیمود، اما به کجا رسید؟ نمی‌دانم. من این راه را نرفته و به آن مقام نرسیده‌ام تا بتوانم آن را وصف کنم. ... من از خود می‌گویم، کار به دیگران ندارم، سخن به صدق می‌گویم. ... من لاف‌شنا می‌نویسم را نمی‌زنم و بر فرض که عنایت روحانی خود مولوی به وسیله کلمات و عبارات و اشعار الهام بخش، گوشه‌ای از جمال و کمال عظیم خود را به من نموده باشد، من از عهده شناساندن و نشان دادن او بر نمی‌آیم. ... و نیز: "عجب دارم از کسانی که شرح بر مثنوی نوشته و خوانده اند مولوی را به وسیله کلمات و اصطلاحات تفصیل فلسفه و عرفان معرفی و مقاصد او را تفسیر و تشریح کنند



در آتشان و کانون شو که بودی درین چون شد چگونه چندمانی بدان تصویر بیجون نوک بودی نه گای که کشی بیگار گردون بر آن بالای گردون شو که بودی درین کاهش چوبیما را نردقی سحر روز افزون شو که بودی زبون طپ افلاطون چه باشی فلاطون فلاطون شو که بودی اگر رو بین تنگی جسم آفت تست همان جان فریدون شو که بودی همان اقبال و دولت بین که دیدی همان بخت همایون شو که بودی

\* کا زرکوبی بکلی غیرا زرگری است. ظاهراً "زرکوبان" یا وسایل خاصی که در رند طایفه یا نقره را چندان می‌گویند که به صورت ورقه‌هایی بسیار نازک، چندان نازک که اگر دست بر آن بسا پندیده سرانگشت می‌چسبند، در می‌آیند و رند، این کار به مهارت فراوان نیاز دارد. ورقه‌های زرین یا سیمین را که بدین ترتیب فراهم آمده است، گاه برای تزئین بروی ظرف‌های خوراکی می‌گذارند و عقیده دارند که خوردن آن مایه زروسیم (که بسیار بسیار اندک است) موجب تقویت خواهد شد. این کار هنوز در هندوستان رواج دارد. هم‌دکان‌های زرکوبی را دربارا از آن کشورها می‌توان دید و هم ورقه‌های زروسیمی را که معمولاً بروی خوراکی‌های شیرین و نیمه‌ماهی که به عنوان "دسر" مصرف می‌شود می‌توان یافت.

\* بهترین چاپ دیوان کبیر نخست با ربه تصحیح استاد فقید بدیع الزمان فروزانفر در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید و از آن پس بارها از روی آن افست یا حروف چینی شد.

# کزارش‌های ایران

## بررسی يك حادثه:

### بازداشت برادران هاشمی

از ما برای دستگیری برادران هاشمی که یکی دوما دو بیکری زیر نظر شیخ منتظری به سعدی دفتر نهضت‌های آزادیبخش و به عبارتی دیگر، زمان‌های تروریستی مشغول بوده‌اند، فرزند منتظری و چند نماینده مجلس که با این گروه همکاری نزدیک داشتند هموطنان ما کم و بیش آگاه هستند. هدف ما اینست که در این گزارش شما را در جریان واقعه از دیدگاه مردم ایران قرار دهیم.

ابتدا باید بر این نکته تأکید کنیم که با وجود هشت سال تبلیغات مداوم برای ایجاد مصوبیت و احداث ختن منتظری در اذهان عمومی، هرگز و هرگز این تلاش‌ها به نتیجه دلخواه نرسیده است. به جرات می‌توان گفت که اگر هزینه تبلیغات می‌تواند برای آقای منتظری شده باشد، می‌تواند یک رقم یک میلیارد تومان به جلوی صورت هزینه آگهی‌ها گذاشت، یا همه این‌ها مردم هوشیار ایران با یک برچسب طنز آمیز کرباره "نتیجه" تمامی هزینه‌های تبلیغاتی را به صفر تقلیل داده و می‌دهند. حافظ رژیم خاکم بپایان که بعضی مفسران خارجی اخیراً "در تفسیر گوته‌ها بی‌می‌خواهند" وجهای مدیر برای جمهوری اسلامی دست و پا کنند همین پس که با وجود اطلاع ز عقیده و برداشت مردم ایران نسبت به این موجود مسخره‌ناز که در نوع جدا بیعت معنی و فیزیکی دست به چینی سر با به گذاری عظیم و بی‌نتیجه‌ای زدند. منتظری هرگز برای مردم ایران موجودی جدی و قابل بحث نبوده تا حادثه‌ای که برای سر جوار کرده‌اند و مطبوعات خارجی همه جق در باره‌اش سر و صدا راه انداخته‌اند در فضای داخل کشور مردم خشمناک شده‌اند و آرد بلکه مردم ایران، بر اساس کنکاش‌ها و بررسی‌های یک هفته‌ای در مجامع و محافل و با طبقات مختلف، این قضیه دفتر منتظری را فقط از دیدگاه فروپاشی رژیم تعقیب می‌کنند و اکثریت کامل بی‌تفاوت‌اند. حقیقت اینست که در داخل حکومت همیشه جنگ قدرت بین جناح‌های راست و چپ و میان خود و خود داشته است اما هیچ وقت جنگ تا این اندازه و به این گه‌نرسیده بود. اینک اختلاف و جنگ قدرت، نوک بیگانگی جمهوری اسلامی را هدف قرار داده و آنجا ردفلقه رهبری رژیم حادث شده است. در بین مردم ایران پیرایه‌ی موعظ‌گرا و به بحث‌های و نتیجه‌گیری‌های متعدد و ممتد و توتوسی می‌شود که علاوه بر این قرار است:

- ۱- ما برای دستگیری در رودسته منتظری از سوی با ندر رفسنجانی و برای برکناری وی از ولایتعهدی و تشکیل شورای رهبری برای اداره امور کشور پس از مرگ خمینی است و موخاتم حال جسمانی خمینی در چند ماه اخیر این ما چرا جلوانداخته است.
- ۲- رفسنجانی در روند اول مسأله که دستگیری بی سروصداي هاشمی‌ها بود چندان موفق نبود اما بعداً با حمایت آقای ری شهری، داما آتای مشکینی (به شرط اینکه مشکینی عضو شورای رهبری باشد) آقای خمینی را تحت فشار قرار دادند تا قضیه از طریق نامه پراکنده‌ای اعلام شده و اعتبار منتظری محدود شود.
- ۳- رفسنجانی برای مقابله با طرفداران منتظری و برادران هاشمی که در سینه و مجلس بخصوص طرفداران قرص و سنگمی داشتند در نامه‌های متبادله دستگیری گروه منتظری را مستقیماً "بدستور" خمینی اعلام نمود تا هرگونه اعتراضی را خاموش سازد.
- ۴- این مبارزه از آن جهت شکل گرفته است که منتظری ببالای زدن با گروه‌های لیرال و انتقاد از رفراندها و حتی رژیمه یا پان‌دان به جنگ - برای رژیم مشکل ایجاد کرده بود که با یورش جدید او را خلع سلاح کردند.
- ۵- حادثه تحت فشار دولت سوریه و خواست سوریه انجام گرفته که معنی هاشمی کارداران کشور را با وضع خفت‌باری دستگیر و رگوان گرفت.
- ۶- افزون بر این موج نظریات متضاد، مسئله ایجاد دکترین تری هم‌میتواند داشته باشد و مهم‌ترین بعد قضیه آغاز

تجاهم جدید غرب به رهبری انگلیس علیه تروریسم بین‌المللی است و آقایان سران حکومت آخوندی که موقعت خود را در برابر هجوم جدید به علت مشکلات داخلی حساس و آسیب‌پذیر دیده‌اند برای واکنش دادن خود، دا و طلبانه با قربانی کردن اعتبار و حیثیت منتظری و تروریست معروف مهدی‌ها شمی که تا دیرپوزیش هورا می‌کشیدند، برای بر غرب دست‌ها را به علامت تسلیم بلند کردند، اما این تسلیم پذیری خفت‌بار تا چه اندازه می‌تواند ما به نتایج رساند؟ غیبا از شهرقم و محافل نزدیک به حکومت، میلبون‌ها مردم عادی ایران هرگز این شخص را نمی‌شناختند و در یک آری می‌نمودند که از ۴۷ نفر گروه‌های شغلی و سنی متفاوت که مورد سؤال قرار گرفتند تنها یک نفر

### کزارش‌های ایران

## تهران بدون بنزین

### بقیه از صفحه ۱

گروه‌ها زرگان نیست که دست‌وپا بشان را به بندند، گویی بر سرشان بکشند و آن‌ها را در قلعه مخروبه‌ای به‌مشیت و لگد به بندند. گروه‌های - منتظری از همان جنس و خمیرما به خمینی و رفسنجانی وی شهری هستند و پیش‌بینی می‌شود که این ما چرا بعداً دستیار گسترده‌ای بخود بگرد. البته منتظری آخوند حقیر و فرصت‌طلبی است که ممکن است برای حفظ مقام خود فرزند و اوصیای ویرا در دام او با خود را قربانی کند اما هواداران منتظری‌ها و هاشمی‌ها از به مقابله خواهند پرداخت. منتظری حکومت آخوندی هم‌زمان با است و هم واکنش مردم در برابر فضاخانی‌ها ز دست‌بندی‌ها در حکومت آن هم در هنگامه قطع و گرسنگی و بیگاری و کمبودهای فراوان، چنانچه متن‌ها می‌گوید که در روزنامه‌ها به بی‌بندید توجه‌ها میدکرده‌اند آن‌ها برای این ملت اسپرحتی روشن نکرده‌اند این مهدی‌ها شمی که اینقدر مهم است که خمینی مستقیماً "دستور دستگیری و محاکمه‌اش را اما درمی‌کنند کیست؟ شغش چیست؟ غیبا از شهرقم و محافل نزدیک به حکومت، میلبون‌ها مردم عادی ایران هرگز این شخص را نمی‌شناختند و در یک آری می‌نمودند که از ۴۷ نفر گروه‌های شغلی و سنی متفاوت که مورد سؤال قرار گرفتند تنها یک نفر

فقط میداند است که هاشمی در دستگاه منتظری کار می‌کرده است. اکثریت کامل کسانی که مورد پرسش قرار گرفتند "علاقه‌ای به این دستن ما چرا نداشته‌اند این موضوع تنها بین گروه‌های روشنفکران قیام‌ننده در ایران با دقت و هجیان مطرح است. سی درصد از مردم عادی که مورد پرسش قرار گرفتند می‌گفتند: خدا کند آنقدر بجان هم بیفتند که شرشان از سرما کم شود. در یک مدرسه یک کلاس را بدون اینکه متوجه مقصود ما شوند مورد پرسش قرار دادیم. کلاس سوم دبیرستان پسرانه با ۳۳ دانش‌آموز، تنها سه نفرشان از ما چرا خبردار شدند. اکثریت کسانی که مل دانش‌آموزان دبیرستان و روزنامه‌ها و نشریات اسلامی را نمی‌خواندند و رادیو گوش نمی‌دهند. آن‌ها با ضبط صوت و نوارهای خودشان یک ایستگاه رادیویی خانگی دارند. تحقیق ما در گروه افراد وابسته به نهادهای دولتی نشان می‌دهد که آن‌ها دچار نوعی گیجی و پیرشانی شده‌اند و در برابر واقعیت‌ها در به‌واکنشی نیستند. اما طبق خبری که از مجله "سوریه" شورای اسلامی و سطح بالای دبیرستان مؤسسات دولتی داریم بحث و جدل مخالف و موافق بسیار گرم است و روی هر قسم آن‌ها کم‌کم به‌اید بودن رژیم و خواب خوش خویش مشکوک شده و دچار نوعی بلاتکلیفی شده‌اند.

ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی سرچهار را هم از راه‌آبادی لوطف است. در شرق عادی نیز شرکت واحد اتوبوسرانی به علت اسقاط اتوبوس‌ها و توقیف مدیریت و همچنین لوازم بدکی‌ها در به انجام وظیفه نیست و حالاً در شرق عادی که با رمسا قریب پنج برابر افزایش یافته تقریباً از با افتاده است. نشست و زیر گویا به شرکت واحد دستوراً افزایش اتوبوس‌ها در خطوط ما در کرده اما این دستور مثل بقیه دستورات حکومتی که به علت بحران اقتصادی برود خود را از دست داده است فقط به صورت یک خبر در روزنامه‌ها خودی نشان داده است. اتوبوس‌ها طبق معمول از ساعت هشت شب به پارتیکینگ می‌روند و از این ساعت به بعد تاکسی‌ها نیز سهمیه بنزین روزانه نشان به تمام رسیده است (رانتگان تاکسی‌های گویبند آنها برای دریافت کار معمولاً ۴۰ لیتر مصرف داشته‌اند که حالا آن‌ها در روز ۳۰ لیتری مصرف می‌دهند) متوجه می‌شوید مردم در هوای سرد پاییزی پیاپی در به طرف خانه‌های خود در حرکت کنند. از ساعت ۸/۵ شب خیابان‌های تهران آنقدر خلوت و خالی است که انسان‌ها حالت وحشی با عادت ۴۰ مایل در احساس می‌کنند. در چنین شرایطی که بیعت کوبینی شدن بنزین با بیجا بگا‌های توزیع بنزین فوق‌العاده خلوت باشد هر چند روز یکبار صف‌های طولانی در برابر پریمپ‌های بنزین تشکیل می‌شود و مردم برای همین سهمیه مختصر هم با پیکان‌ها تا ساعت در صف با بیستند. شهرتانی‌ها حتا ۱۲ ساعت در صف شام شربت با پید صرف‌های طولانی با بیستند که تا ۲۲ ساعت طول می‌کشد. طبق تحقیق ما علت معنی شدن جایگاه‌های بنزین در هر چند روز یکبار که کنونی‌ها در توزیع بنزین در این کشور و قطع بنزین‌ها در است که گاهی تا رسیدن بنزین در جایگاه‌ها در وقفه‌های طولانی می‌شود که به تشکیل صف منجر می‌گردد. در هنگام تشکیل صف غیراز مشکلات سراسری و اتوموبیل‌های شخصی و تاکسی‌ها، سرویس‌های نقل و انتقال کارمندان حتی نظامی‌ها با مشکل بنزین مواجه هستند. در آخرین نوبتی که با خرهر بنزین صلی شد بعضی از سرویس‌های کارکنان واحدهای مسلح ناچار شدند با رگبری اسلحه و خارج از نوبت صف بنزین گیری کنند که خود مشکلات فراوانی ایجاد کرد.

مردم در برابر کمبود بنزین و مشکلات ناشی از آن زبان اعتراف خود را صرف‌ها بلندتر و تیزتر کرده‌اند. در شب دومین بنزین سهمیه کوبینی شدن بنزین در جایگاه با رگ و وی و چندان بگانه دیگر مردم معترض تصمیم گرفتند بدون ارائه کوبن بنزین - گیری کنند و این ایدینی بی‌درنگ هم‌گیری شده‌اند و طریق که شبانه دستور تعطیل تمام جایگاه‌ها را تا صبح صادر کردند. بص بنزین‌های یهلوی و چندان نقطه دیگر شهر کمپینه‌های برای مقابله با اعتراضات مردم دست‌به‌سلاح برده و تنبلی می‌کردند و دولت از روز بعد برای جلوگیری از تظاهرات خودجوش مردم به بهانه مهر کردن کوبن‌ها عده‌ای یا سدار



### قراردادهای معاملات پایایی

در نتیجه مصیقه ارزی و شکالات ناشی از اقدامات بانک انگلستان ( به شرحی که گفته شد ) وارد کردن کالا از کشورها می که به لبره با آنها معامله می شده عملاً متوقف گردید. دولت برای ادا ماهه دادوستد با کشورهای مزبور تصمیم به عقد قراردادهای مبادلات با پایایی با آنها گرفت و قراردادهای بی باقی منظور با ایالت لیبیا و ژاپن و بلژیک و هلند منعقد شد. ضمناً " البته ترتیبات تها تری قبلی با کشورهای دیگر یعنی آلمان فدرال و فرانسه و کشورهای سوسیالیستی نیز ادا می یافت. انجام معاملات تها تری نه تنها کمبود ارز را تا اندازه ای جبران می کرد بلکه وسیله ای هم بود برای اینکه کالاهای ایرانی بیشتر و بهتر به دست آورده شود تا در بارهای جهان مرغوب و مشتری پسند باشد. نتیجه قرارداد های پایایی این بود که در مقابل ما در اثری از قبیل فروش و خشکساز کالاهای ضروری مانند ماشین آلات و لوازم طبیی وارد می شد بی آنکه از ارز استفاده شود. ضمناً " این ترتیب با اعتباراتی تولیدات کشاکش و ارزی و منافع دستی گردید. دولت حتی امکان می کشید تا کشور طرف کالاهای ایرانی را با کالاهای درجه دو خود مبادله نکند.

### ۴- سیاست اقتصادی

در ابتدای تشکیل دولت دکتر مصدق برنامه های که به مجلس اظهار شد در حقیقت برنامه اقتصادی نفت بود زیرا در آن تهریح شده بود که دولت عوا پیدا میله از ملی کردن صنعت نفت را به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجهات رفاه و آسایش عمومی تخصیص خواهد داد ولی یک سال از این مقدمه گذشت و کار رفت همچنان معوق بود تا در اوایل خرداد سال ۱۳۳۵ دولت علناً " از تحصیل درآمد از منبع نفت اظهار ریا می نمود و در مرداد آن برآمد که بودجه کشور را بدون عایدی نفت متعادل کند. روز ۲۳ فروردین ۱۳۳۱ دکتر مصدق در ضمن نطق خطاب به عده ای از نمایندگان مجلس هفدهم اظهار کرد که حل مشکل نفت فقط با صبر و تحمل امکان خواهد داشت و تا آن نتیجه حاصل نشده دولت در نظر دارد برنامه اقتصادی کشور به نفت اجرا کند و اقداماتی برای اصلاح اقتصاد کشور بر اساس اصول زیر بعمل آورد: تجدیدنظر در ارقام بودجه برای تعدیل و توازن آن، تجدیدنظر در قوانین مالیاتی برای آزادی در آمد، دادن اعتباراتی برای کارهای تولیدی، تجدیدنظر در سازمان های اداری بمنظور تسهیل هزینه، الفای مقرراتی که مزاحم فعالیت های اقتصادی افراد باشد، تنظیم برنامه برای استفاده از قسمتی از اقرا دولتی مثل شرکت ملی نفت برای امور تولیدی، در جلسه ۲۲ تیر ماه مجلس شورای ملی که موضوع اعطای اختیار به دکتر مصدق مطرح بود مخالفت های از طرف بعضی از نمایندگان عنوان کردید و دکتر مصدق در ضمن جوابی که به این مخالفت ها اظهار نمود که گفتن این مطلب که دولت برنامه اقتصادی ندارد صحیح نیست، بلکه دولت نقشه های مهمی در باره امور اقتصادی داشته و حتی برای مشورت در باره آنها از دکتر شاخت Schacht) کارشناس نامی آلمانی دعوت کرده است که به ایران بیاید. دکتر شاخت در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۳۱ وارد تهران شد. روزنامه اطلاعات ۲۲ شهریور در باره " علت دعوت دکتر مصدق از دکتر شاخت چنین نوشت: " محافل اقتصادی و مالی دعوت دکتر شاخت و اشتغال او را در امور مالی و پولی مربوط به موضوع نشر اسکناس می دانند و معتقدند در این موقع که آقای دکتر مصدق اختیار را تمام معروض قسمت های مالی و بانکی از مجلسین اخذ نموده و با موضوع لزوم نشر اسکناس از لحاظ گشایش امور اقتصادی مواجه گردیده در مقام آن برآمده است تا نظر متخصصین و اشخاص نامی جهان را نیز در این باره به دست آورد و با مطالبات کامل اقدامات اصلاحی خویش را تعقیب نماید. در آن ایام مهمترین بحث در محافل اقتصادی و مالی بر سر مسئله نشر اسکناس بود. عده ای عقیده داشتند که برای گردش چرخ های اقتصادی با بست حجم پول در جریان افزایش داده شود اسکناس جدید منتشر و منحصر " در راه تولید مصرف شود تا موجب تورم نگردد. اما در مقابل این عده دیگران چنین اظهار نظر می کردند که نشر اسکناس اضافی خواه نا خواه موجب افزایش قیمت ها خواهد شد و این یکا از ضروری است در حالی که افزایش سطح تولیدی که نتیجه نشر اسکناس خواهد بود فقط پس از مدتی صورت خواهد گرفت و در این فاصله زمانی قدرت خرید کاهشی خواهد یافت و سطح زندگی تنزل خواهد کرد. طی اقامت سه روزه دکتر شاخت در تهران دکتر مصدق در همین موضوع با او مشورت کرد. روز ۲۳ شهریور هنگامی که دکتر شاخت تهران را ترک می کرد خبرنگار روزنامه اطلاعات تا با او مصاحبه کرد و اظهار نمود که دولت طرح های بی باق را راه داده که در باره آن ها اظهار نظر کنند ولی توضیح نداد که طرح ها کدام بوده و او در باره آن ها چه نظریاتی اظهار کرده است. اما در جواب سؤال خبرنگار در باره " مسائل نشر اسکناس گفت: " به طور کلی تذکری هم که ایران از نظر اشتوانه اسکناس از غنی ترین ممالک دنیا است اما باید بگوییم که صرف داشتن شصت درصد اشتوانه برای بهبود وضع اقتصادی کافی نیست، بشوایه حقیقی هر مملکتی را در کلمه " کار " می توان خلاصه کرد. کار و فعالیت و ایجاد کارهای تولیدی و تهیه درآمد دومی نیازمند است. دکتر مصدق از راجی اشتوانه حقیقی اسکناس است. " دکتر جدید در اوایل مهر ماه ۱۳۳۱ از دو کارشناس اقتصادی و مالی دیگری یعنی کامیل گوت Camille Gutb) و وزیر سابق دارائی بلژیک ( و پسر گورو

## مصدق ونهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست وضع بحرانی اقتصاد کشور

Perez Guerrero

فنی سا زمان ملل دعوت کرد. ولی نتیجه مطالبات آن ها که گفته می شد مربوط به اقتصاد بدون نفت بود منتشر نگردید. به این ترتیب هر چند که " از طرف مقامات دولتی وعده" توسل به اقتصاد بدون نفت داده شد ولی چنان سیاست اقتصادی که نتواند خلاصه ناشی از تعطیل نفت را برکنده عمل نگردد، بلکه در نتیجه نشر اسکناس بدون پشتوانه تورم پولی ایجاد شود در این وضع تا " مین اقتصاد سالم و با لا بردن سطح زندگی عموم امکان پذیر نبود. در همان زمان حکومت دکتر مصدق معلوم گردید که سیاست اقتصادی بدون نفت مطلقاً " در علاج کشور نیست. این مطلب بخصوص بعد از تغییر دولت در ضمن انقضا داتی که نسبت به سیاست دوره زما مداری دکتر مصدق بعمل آمده در بحث قرار گرفت. در جلسه ۱۸ مهر ماه ۱۳۳۲ دکتر امینی پس از دادن توضیحاتی در باره " اقدام کسری عمل دولت سابق چنین گفت: " همین ارقام تراقتا بدون نفت را محکوم می کند. همین ارقام نشان می دهد که در کشوری که سطح تولید آن با کسری و بنیه اقتصادی و مالی آن ضعیف است و مخارج روزمره خود را با اشکال و زحمت می تواند از راه درآمد دولت بپردازد و یک دینار را در دست در شرایط عادی صرف عمران و بهبود وضع اقتصادی خود کند نمی شود از عایدات مسلم منبع شروعی ما بندان نیست صرف نظر کرد. مگر آنکه جای این درآمد عایدی دیگر تدارک شود والا نتیجه حتمی آن سقوط کشور خواهد بود.

### ۵- کمک های خارجی

حکومت دکتر مصدق در تمام دوره زما مداری انتظار در یافت کمک های مؤثر مالی و اقتصادی از دولت آمریکا داشت. علت این انتظار را امیدواری یکی این بود که لا اقل در اوایل پیش آمد بحران نفت سران جبهه ملی تصور می کردند آمریکا می تواند به دلایل مختلف بخصوص تا " مین منافع شرکت های نفت آمریکا باطن " با اقدام ایران در ملی کردن نفت موافقت دارند و برای پیشرفت آن اقدام به ایران کمک خواهند کرد. و دیگر این تشخیص سیاسی بود که دولت آمریکا برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم در ایران نخواهد گذاشت اگر این اقدام آنچنان مصیقه مالی شود که عوامل کمونیستی از آن استفاده کنند. آنچه در بخش های گذشته گفته شد معلوم نمود که بین پیش بینی ها مطابق با واقعیت نبود زیرا عکس العمل طرف یا شرکت نفت و دولت انگلیس را به حساب نمی آورد. انگلیسی ها از یک سو با وعده های که به بدبه موقع انجام شد منافع شرکت های آمریکا را با منافع خود تواءم نمودند و از سوی دیگر دولت آمریکا را متقاعد کردند که برای دفع خطر کمونیسم باید به یک اقدام اساسی ترتیبی برانداختن حکومت دکتر مصدق دست زد. در هر حال دولت آمریکا با آنکه نسبت به یکی از طرفین اختلاف ( انگلستان ) از هیچ گونه مساعدت فروگذار نکرد در مورد طرف دیگر ( ایران ) به کمک های جزئی اکتفا و تها تا های دولت را برای کمک مؤثر به دلالتی که در طرف عمل نسبت به انگلستان به آن استناد نمی نمود رد کرد. شرح اجمالی کمک های که دولت آمریکا نسبت به ایران معمول داشت از قرار است که رئیس اداره همکاری فنی آمریکا ( اصل چهار ) در ایران طی مصاحبه ای در تیر ماه ۱۳۳۲ اظهار نمود: " وی به اعتبارات مالی که در سال های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ به دولت ایران داده شده بود اشاره کرد و گفت تقریباً " ۵۰ میلیون دلار در این دو سال در اختیار ادا ره همکاری فنی گذاشته شده است. این اعتبارات برای اجزای ده بیست و سه که مشتمل بر ۶۹ طرح می باشد مورد موافقت وزارت خانه های ایران قرار گرفته و به مصرف تعهدات گوناگون رسیده یا خواهد رسید.

در سال اول ملی شدن نفت ( ۱۳۳۰ ) دکتر مصدق در برابر وضع بحرانی اقتصاد کشور بسیار کمک مالی از آمریکا بود. در ماه آبان هنگامی که به آمریکا سفر کرد با ترومن رئیس جمهوری ملاقات نمود و سنی کردتوجه او را به احتیاج ایران به کمک های مالی دولت آمریکا جلب کند تا به قبول خود او " دولت بتواند در طرف یک سال اوضاع مالی خود را سروسوزنی داده و چرخ های اقتصادی کشور را به راه بیندازد. شدت نگرانی دکتر مصدق دربار مصیقه مالی از لحن نامه های که برای تقاضای کمک در

تا ریخ ۲۱ آبان بدرزیدنت ترومن نوشته بود معلوم می شود. یک جمله نامه مزبور اینست: " اما خواهی فوری از اقتصاد ما فایده " طوری است که اگر یک چاره فوری نشود جریان امور سلکت دچار تشنج و اختلال خواهد شد و خدای نخواسته وضعی ممکن است پیش آید که برای صلح جهان که مورد علاقه آن حضرت است خالی از خطر نباشد. " دکتر مصدق طی گزارشی که در مراجعت از سفر به مجلس شورا داد اظهار کرد که ترومن در جواب نامه او وعده داده بود موضوع را به دقت مورد توجه قرار دهد. ضمناً " دکتر مصدق اضافه کرد که یک معامله ارزی هم با صندوق بین المللی پول انجام شده که ۸/۷۵۰/۰۰۰ دلار در سقت به بانک ملی ایران برداخت شود و بانک معادل ریالی آن را به حساب بستانکار صندوق بگذارد. همچنین ترتیب گرفتن وام به مبلغ ۲۵ میلیون دلار از بانک صادرات و واردات داده شده است و نیز موافقت دولت آمریکا جلب شده است که ۲۳ میلیون دلار از محل کمک های راجع به اصل چهار ترومن برای امور عمرانی از قبیل توسعه دستگاه های برق و لوله کشی و آبیاری به ایران کمک داده شود. دولت آمریکا در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۳۰ به دولت ایران اطلاع داد که این مبلغ طی سال مالی که به ۳۰ ژوئن ۱۹۵۲ ( ۹ تیر ۱۳۳۱ ) ختم می شود به دولت ایران پرداخت خواهد شد. اما کمی بعد از مراجعت دکتر مصدق دولت آمریکا بعلت عدم پیشرفت مذاکرات دولت ایران با بانک جهانی در مورد برآمد که با یوس کردن دولت ایران از کمک مالی زمینه مساعدی برای تجدید مذاکره با بانک فراهم کند. وزارت خارجه آمریکا طی اعلامیه ای که در تاریخ ۴ فروردین ۱۳۳۱ منتشر کرد چنین گفت:

" دولت ایران چندبار رکتبا " و نگاه " از کشورهای متحد آمریکا درخواست وام و کمک مالی مستقیم کرده است که مشکلات ناشی از قطع عواید نفت را حل کند. دولت آمریکا نمی تواند اقدام کند که برای ایران مقصور است در آمدا پسته ای از صنعت نفت خود بدون زیان وارد آوردن به تعاملات ملی خویش بدست آورده. این نوع کمک را موجه ما زد. ... آمریکا همواره برای عبودیت بوده است که حل قرضه نفت ایران به نفعی که منافع مشروع ایران و انگلیس محفوظ بماند. ... امکان پذیر می باشد. ما معتقدیم که پیشنها بانک بین المللی برای کمک به این موضوع فرمت مناسبی را برای رسیدن به مقصود مذکور فراهم آورده است. گوا اینکه حل این قرضه بطور موقت صورت بگیرد. همچنین امیدواریم که فرمولی پیدا شود که برای طرفین قابل قبول باشد. " دولت ایران در تاریخ ۶ فروردین جوابی به اعلامیه بالا منتشر و طی آن اظهار نمود که چون دولت آمریکا با وجود وعده رسمی کمک های اقتصادی که در گذشته به ایران داده بود بانک نظر مساعدی در برابر درخواست کمک مالی ایران از نداشتا شده است دولت ایران موضوع را تعقیب نخواهد کرد.

با این حال دکتر مصدق از دریافت کمک مالی از دولت آمریکا مأیوس نشد و در موقعی که روش نامساعد دولت مزبور نسبت به دولت ایران گام " روشن شده بود وی با لحنی صراحت مجدد " تقاضای مساعدت کرد ولی نتوانست نظراً آمریکا را متقاعد کند. اینک قسمتی از نامه ای را که دکتر مصدق در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۳۲ به رئیس جمهور آمریکا ازینها و رونوشت نقل می کنیم: اگر در این موقع کمک مؤثر و ضروری به این مملکت نشود شاید اقداماتی که فردا بمنظور جبران فطرت امروز به عمل آید خلیه دیر باشد. البته در این مدت کمک های از طرف دولت آمریکا به ایران شده که موجب تشکرات ولی اینقدر نبوده است که مشکلات ایران را مرتفع کند. ... من با مثال یا توری می شود که با بانک صادرات که می بایست ۲۵ میلیون دلار برای امور کشاکش و ارزی به ایران کمک کند به واسطه دخالت های نا روای دیگران منصرف گردید. ملت ایران امیدوار است که با مساعدت و همراهی دولت آمریکا مانعی که در راه فروش نفت ایران ایجاد شده برطرف شود. و چنانچه رفع موانع مزبور برای آن دولت مقدور نیست کمک های اقتصادی مؤثری بر ما بماند ایران بتواند از سایر منابع خود استفاده نماید.

جواب اینها وریه ای نام به تمام معنی در برابر وی امکان هرگونه کمک از طرف دولت مردم آمریکا نیست. یک قسمت از نامه او اینست: " هرگاه حکومت دول متحده بخواهد به میزان معتنا بهی از طرق اقتصادی به ایران کمک کند در حق مؤدیان مالیاتی آمریکا شرط انصاف را رعایت کرده است. همینطور بسیاری از مردم آمریکا تا وقتی که اختلاف نفت قطع و فصل نگردیده است با خرید نفت ایران از طرف حکومت دول متحده عملاً " مخالفت خواهند کرد. سعی من توضیح این نکته است که با این اوضاع و احوال چرا حکومت دول متحده اکنون در مقام و موقعی نیست که بتواند بیشتر از پیش به ایران کمک بکند یا نفت ایران را خریداری نماید. " به طوری که در بخش های گذشته گفته شد یک ماه و نیم بعد دولت دکتر مصدق سقوط کرد.

### ۶- سطح قیمت ها و هزینه زندگی

در نتیجه وضع اقتصاد کشور به شرحی که گفته شد طی سالهای بحرانی نفت سطح قیمت ها مرتباً " بالا رفت. این کیفیت از مزارع به جدول شاخص های بانک ملی ایران که در مجله بانک منتشر شده معلوم می گردد:

در تهران

۱۳۲۹ (برای مقایسه)	۵۹۰
۱۳۳۰	۶۳۱

# مصالحه‌ی محدود

روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس، در گزارشی راجع به آزاد شدن دیوید جاگوبسن گروگان امریکائی به دونکته اشاره کرده است: یکی این که آزاد شدن وی در اثر مصالحه محدود جمهوری اسلامی با آمریکا است و دیگری این که اختلافات سوریه و جمهوری اسلامی با لایمی گیرد. لیبراسیون با اشاره به انبوه اطلاعات و مطالبی که در این باره در مطبوعات آمریکا و غربی منتشر شده است می‌نویسد: به عقیده نیویورک تایمز، آزاد شدن دیوید جاگوبسن ناشی از "مصالحه محدودی" است که بین جمهوری اسلامی و آمریکا به عمل آمده است زیرا حکومت تهران ناامیدانه سعی کرده است به انزوای سیاسی خود پایان دهد. شبکه تلویزیونی آی.بی.سی، روزنامه‌های واشنگتن پست و تایمز لندن این مصالحه محدود را تایید کرده‌اند. لیبراسیون می‌افزاید: آغاز نزدیک

شدن روابط جمهوری اسلامی و آمریکا با طبع رهبران سوریه نیست، آن‌ها بجز این با ورنده تهران و واشنگتن علیه آنها به شوطه‌جینی مشغولند. منابع مطلع در سوریه می‌گویند: "تری ویت" نماینده اسقف کاننبرگ بوری طی سفرهای خود به لبنان ابتدا در مرداد ماه با شیخ "صبحی طفیلی" یکی از رهبران حزب الله در سفرات جمهوری اسلامی در بیروت دیدار کرد و سپس در شهریور ماه با معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی ملاقات کرد. در این دیدار معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی فهرستی از احتیاجات جمهوری اسلامی را از آمریکا به "تری ویت" تسلیم کرد. دیوید جاگوبسن در مقابل اجابت درخواست‌های جمهوری اسلامی آزاد شده است. لیبراسیون می‌افزاید: به نظر می‌رسد که تیره شدن روابط جمهوری اسلامی و سوریه در هفته گذشته شدت گرفته است.

# کشور بی دوست

هفته نامه نیوزویک چاپ آمریکا در گزارشی زیر عنوان "سوریه کشوری بی دوست می‌نویسد: موج ترس و تهدید در خیابان‌های دمشق بالا می‌گیرد. در سال‌های گذشته تروریست‌ها روی هم رفته بیش از نهم قرن‌ها در بیروت و لبنان با ریس، کشتار رکنیسه، یهودی‌ها در استان بیروت و قاعده، هواپیما ربا بی‌کراچی قربانی گرفته‌اند. در مدخل سازمان‌های دولتی، کارمندان برونه نگهبانان مسلح به نوبت با می‌دهند. حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه کمتر جرأت می‌کند که از بی‌تخت بیرون رود. تنها گام به زدن گامش لاذقیه می‌رود. در فرودگاه سه کاروان از کادربلک‌های سیاه رنگ در سه جاده مختلف به حرکت در می‌آیند تا

تروریست‌ها را فریب دهند. سه هفته یک روزنامه تنگ‌گرمی در دمشق، رژیم سوریه درجهانی بی دوست بی سر می‌برد. و از فرط آسیب‌پذیری، خواب‌آرام ندارد. با پایان گرفتن بحران کمه‌نزار هندی‌ها و احساس انزوای رژیم سوریه فزون‌تری می‌گیرد. و این احساس بیش از هر اقدام احتمالی که علیه اسد انجام شود، او را مجازات می‌کند. نیوزویک می‌نویسد: اسد با رها در طول حکومت ۱۶ ساله خود برای از بین بردن دشمنانش، دست به عملیات تروریستی زده است اکنون وی از هر سویا خیل دشمنان روبروست. اخوان المسلمین تصمیم به سرنگون ساختن وی گرفته است و عراق و دیگر کشورهای مسلمان متحدی نیز در برابر او و دشمنان او ایستاده‌اند. اوایل زمستان گذشته تروریست‌ها یک بمب‌فرو را که در کما میوتی جا سازی شده بود در یکی از خیابان‌های پرجمعیت دمشق ترکندند، اتوبوس‌های مالامال از جمعیت را در بسیاری از شهرهای سوریه منفجر ساختند و دو قسمت از بیل راه آهن لاذقیه به حلسب را با بمب‌نا بود کردند. سوری‌ها از یک سو عراق و از سوی دیگر اسرائیل را مسئول این بمب‌گذاری‌ها می‌دانند. اما فهرست دشمنان خوبی سوریه بلندتر از این‌ها است و زلفا لانه‌های مسیحی لبنان تا با سرعفات را در بر می‌گیرد و به قول یک ناظر خارجی در پشت هر حمله می‌توان دست هر کسی را در کارها دید. گام‌های نیز انتقام جویی‌های غربی دست‌اندر کار است. در نوامبر سال ۱۹۸۱ در "ازبکیه" از شهرهای نزدیک بیروت یا بی‌تخت با انفجار یک اتوموبیل بیش از ۱۱۰ تن از نظامیان و غیرنظامیان سوریه کشته شدند. منابع اطلاعاتی فرانسه در لبنان اعتراف کردند که این کشتار به دستور آنان و به تلافی قتل سفیر فرانسه در لبنان انجام شده است. البته مردم سوریه از این ماجراها جنبه‌ها را اطلاعی ندارند. به گفته یک دیپلمات عالی رتبه غربی در سوریه، معمولاً مطبوعات سوریه گزارشی از این بمب‌گذاری‌ها منتشر نمی‌کنند. مردم سوریه حتی از هوایی که تروریسم در غرب برانگیخت تعجب می‌کنند و واکنش دولت سوریه در برابر این گونه وقایع معمولاً چنین است که این تلفات را کوچک شمرده و تهدیدی که دو برابر آن است را خواهد گرفت. نیوزویک می‌افزاید: حافظ اسد، انتقام‌گیری را تاکنون روشی می‌داند

سوریه که عجله داشت قبل از شکست جلسه با زار مشترک اروپا در روز ۱۹ آبان (ه‌انوامبر) یکی از گروگان‌ها آزاد شود. طی نامه‌ای تهدیدآمیز به عنوان هاشمی رفسنجانی، خواستار رشد که ما جاسوسی گروگان‌ها سربا "و به نحوی مثبت حل شود. محافل نزدیک به حکومت سوریه می‌گویند حافظ اسد در این نامه جمهوری اسلامی را تهدید کرده بود که در صورت امتناع رژیم تهران، به تلافی جوشی علیه حزب اللهی‌های لبنان دست خواهد زد و در مناسبت خود با تهران تجدیدنظر خواهد کرد. لیبراسیون در پایان می‌نویسد: روزنامه لوموند در شماره دیروز خود خبر داده که سرکوب‌پاران منتظری در ایران سسندت می‌گیرد. و سقوط شدن منتظری، به رفسنجانی امکان داده است که سیاست عادی شدن روابط جمهوری اسلامی با غرب را شدت بخشد. حتی اگر این سیاست فعلاً برای مدتی متوقف مانده باشد، احتمالاً پس از آن که بر تونورا فکن رسانه‌های گروهی برای ما جراخا موش‌شد، با ردیگر از سر گرفته خواهد شد.

می‌پنداشته است. اسد ز جمله از بازار ترور استغاده می‌گردد تا بتواند در صحنه سیاسی جهان با زی خود را بکند و جنبش و نمودها زده در خاور میانه تنها اوست که می‌تواند مسلح را برقرار کند. سه هفته یک دیپلمات غربی در دمشق، اسد، برخلاف قذافی امراردا ربه عنوان سیاستمداری جدی گرفته‌شود. او در پی ایجاد دنیای دیگری است و در واقع این امیدهای او برای آینده است که به او اجازه می‌دهد تا خود را در خشتاک ترین عملیات درگیر سازد. اما با همه خنمیا هراسی که بر می‌انگیزد، یکسری از منزوی ترین رهبران جهان است. فرقه کوچک علوی که وی از میان آن برخاسته در حرم بسیاری از مسلمانان موه‌من، بدعت‌گذار و زندقه است و اکثریت مردم سوریه به آن به چشم حقات نگساده می‌کنند. نیوزویک آنگاه می‌نویسد: رکسود اقتصادی سوریه منبع همیشگی نارضایتی‌ها و ناخشنودی‌های داخلی از خیابان‌ها و فروشگاه‌ها است. هیچ یک از کشورهای هم‌مرز سوریه، دوست ایمن سرخ‌ترین دشمنان این کشور به شمار می‌روند. لبنان همچون غده‌ای سرطانی در کنار سوریه است که از نیروی دفاعی آن می‌کا هدویا فت اجتماعی آن را از هم می‌پاشد. متحدان اندک شما راستند، مانند شوروی و رژیم‌های جمهوری اسلامی و لیبی غالباً با او بی‌باید کرد و کردی دارند. در این میان، عوامل فرضی او درباری زمرکیا ر تروریسم ممکن است هر لحظه علیه خود اقدام کنند. بعضی از منابع معتقدند که به علت حمله‌های پی در پی ابونضال به منافع سوریه بود که اسد بر آن تدبیر و اجازت دهد تا دفتر خود را در دمشق باز کند. نیوزویک در پایان می‌نویسد: در سوریه بر هیچ کس نمی‌توان اعتمادی کامل داشت. در واقع، به عقیده بسیاری از دیپلمات‌ها در دمشق، ماجرای سوئ قدس تا فرجام علیه هواپیماهای ال‌عال نشان آن است که اسد سلطه خود را بر بعضی سازمان‌های اطلاعاتی خود از دست داده است. این طرح برای مردمی با مهارت‌های مکارانه بسیار ناشیانه، بسیار خطرناک و بی‌نتیجه به نظر می‌رسد.

# خمینی پس از ۲ ماه سکوت

خبرنگار خبرگزاری فرانسه در تفسیری پیرامون نطق اخیر خمینی می‌نویسد: بعد از دو ماه سکوت، آیت‌الله خمینی برای نخستین بار در جنگ قدرت بین مقامات جمهوری اسلامی دخالت کرد و به عقیده ناظران حمایت خود را از جناح رفسنجانی که طرفدار نزدیک به غرب و تعظا ف شرایط صلح با عراق است اعلام کرد. خمینی روز ۹ نوامبر در برابر گروهی از پادشاهان کمیته‌ها و سپاه و پرسنل ارتش ضمن تکذیب شایعات مربوط به مرگ و بیماری گفت: "جمهوری اسلامی وابستگی به هیچ کس ندارد، وابسته به ملت است، وابسته به قوای مسلح است. اشخاص در این مورد دخالت ندارند. شما خواهید دید که جمهوری اسلامی باقی است، چاشخا صی با شند جنباشند. خمینی با این سخنان و با خودداری از تا بید مقام مذهبی آیت‌الله منتظری که مخالف اصلی هاشمی رفسنجانی است، وابستگی جمهوری اسلامی را به یک شخص از بین برد. و در عمل این هاشمی رفسنجانی بود که پشتیبانی خمینی را بدست آورد. خمینی همچنین از صحبت درباره تعاسهای رژیم با آمریکا و فرانسه خودداری کرد. و به گفته ناظران در ایران برای تماشای بعدی با زگذاشت. مفسرخبرگزاری فرانسه در ادامه گزارش خود می‌نویسد: در ماه‌های اخیر نرسود بی سابقه‌ای بر سر قدرت در گرفته است که بر دقت در مندرجیم هاشمی رفسنجانی را که از حمایت احمد خمینی برخوردار است در مقابل آیت‌الله منتظری قرار داده است. طرفداران مدور انقلاب اسلامی و کمک به گروه‌های افراطی در لبنان که در راه آن‌ها منتظری قرار دارد، سیاست رفسنجانی در مورد گروگان‌های غربی در لبنان و دست برداشتن از استقرار حکومت اسلامی در عراق، مورد انتقاد قرار داده‌اند. اما رفسنجانی با دستگیری نزدیکان منتظری و بخصوص مهدی و هادی هاشمی، در این شرد تا بحال پیروزی مهمی به نام خود ثبت کرده است. خمینی نیز اخیراً بدون توجه به با دریا نسی منتظری، به وزیر اطلاعات و امنیست که مخالف منتظری است اختیار نام داده و این موضوع را تا آخر دنبال کند. و بدنبال آن صدها نفر از جمله ده‌ها تن از فرماندهان سپاه با سدا ران دستگیر شدند. این اقدامات خشم گروه‌های افراطی جمهوری اسلامی را بیش از پیش برانگیخت و اعترافات رفسنجانی مبنی بر سرریسک هیئت امریکا بی‌پایان به سرپرستی "زاهرت مک فارلین" وضع را بدتر کرد. روز شنبه ۸ نوامبر رادیو جمهوری اسلامی گزارش داد که احمدکاشانی نماینده مجلس، و عده‌ای نظامی از سوی سازمان امنیت رژیم دستگیر شده‌اند. جرم آن‌ها ایجاد اختلاف در نیروهای مسلح ذکر شده است. احمدکاشانی، بر آیت‌الله کاشانی از سوی روزنامه رسالت، ارگان جریان محافظه کار رژیم حمایت می‌شود. روزنامه رسالت، از چند هفته قبل مطالبی به نفع ادا مه جنگ می‌نویسد و از این که "حمله سرنوشت ساز" که قرار بود دریا شیزا انجام گیرد هنوز انجام نشده است اظهار تعجب کرده است. دقیقاً رفسنجانی نماینده خمینی در شورای عالی دفاع است که با پیداستور حمله را ما در کند. هاشمی رفسنجانی امتیازات دیگری نیز بدست آورده است. روز جمعه ۸ نوامبر شیخ محمدحسین فضل‌الله یکی از رهبران حزب الله لبنان علناً از سوی حمایت کرد و رفسنجانی را مخزن متفکر جمهوری اسلامی دانست. او همچنین توانست روزهای شنبه و یکشنبه (۹ و ۱۰ نوامبر) رهبران مذهبی مخالف دولت عراق را با یک غیرمذهبی نزدیک به حکومت سوریه یعنی جلال ظالمی رئیس اتحادیه میهن پرستان کرد، یکجا گرد آورد. خبرگزاری فرانسه در پایان می‌نویسد: محافل دیپلماتیک در تهران می‌گویند تحولات جنگ، سرنوشت گروگان‌ها در لبنان و جای جمهوری اسلامی در جامعه بین‌المللی، بیش از همیشه به نتیجه این نبرد قدرت بستگی دارد.

**تلفن خبری**  
**نهضت مقاومت ملی ایران - لندن**  
**شماره ۲۲۱۰۶۶۸**

### احمد کاشانی بازداشت شد

جنگ قدرت میان جناح‌های رژیم اسلامی، با اعلام خبر بازداشت احمد کاشانی، پسر آیت‌الله کاشانی و نماینده مجلس اسلامی، هر چه بیشتر از زیره بیرون افتاد. تا ظران در تهران می‌گویند در روزهای آینده گروه دیگری از نمایندگان مجلس اسلامی که با گروه حاکم، در جنگ و ستیز به سر می‌برند، بازداشت خواهند شد.

احمد کاشانی که با زداشت وی روزنامه‌های از طریق رادیو جمهوری اسلامی اعلام شد، رهبری گروهی از نمایندگان محافظه کار مجلس اسلامی را برعهده داشت که به شدت از دولت میرحسین موسوی به خصوص از روش مذاکره آن با فرانس و شیوه رفع اختلاف مالی ایران با آمریکا انتقاد می‌کردند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی می‌گوید چند تن از اعضای پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز از سوی سازمان‌های مخفی وزارت اطلاعات در ارتباط با مسأله‌هایی که به بازداشت احمد کاشانی، نماینده شهرنیز، انجامید، دستگیر

### نامزدهای جانشینی

بقیه از صفحه ۱

امروز این فرصت فراهم آمده است و او آن را وا نخواهد نهاد. وانگهی خودریشهری، داماد آیت‌الله مشکینی رقیب سرسخت منتظری است و در صفا انتظار ریب‌رایی رسیدن به عضویت در شورای رهبری در ردیف‌های اول نوبت گرفته است. از این گذشته، آیت‌الله خمینی نیز پیگیری اتهام‌هایی را که به نزدیکان منتظری وارد آمده، تا نیک‌گفته است. رقیبان منتظری اکنون دلایل زیادی دارند که از خوشحالی دست به هم‌بند نیستند. خامنه‌ای و رفسنجانی اگرچه از منتظری تحلیل کرده‌اند، ولی دربار بازداشت نزدیکان او هیچ نگفته‌اند. سخن تحسین آمیز آن‌ها به اندازه یک هزارم این عمل، یعنی بازداشت غویثا وندان و نزدیکان جانشین شکست خورده، ارزش ندارد.

از نشانه‌ها برنمی‌آید که منتظری و یارانش، پس از این ضربه موشی که خورده‌اند، قدرت آن را داشته‌باشند که ضربه متقابلی به رقیبان بزنند. زیرا منتظری تنهاست. حال آنکه همه کسانی که میداورند به عضویت شورای رهبری برسد بسیار رند و در برابر او و قائل دست به یکی کرده‌اند. به احتمال بسیار، این دورنبرد به زیان منتظری پایان خواهد یافت تا دور بعدی نبرد چه کسی را در برابر بریکدیگر قرار دهد. رژیم اسلامی دارد خود را از درون می‌خورد. کژدم مدام بر سر خود نیفتد.

اگرچه رژیم اسلامی از نبردهای پیشین خالص تری و یکپارچه‌تر بیرون آمده، ولی نتوانست خلوص و یکدستی خود را حفظ کند. دست‌های گوناگون از درون رژیم فعلاً گریبان یکدیگر را گرفته‌اند تا کی آن را بر حلقوم یکدیگر بکشند.

سایت رفسنجانی و خامنه‌ای از منتظری فقط اقدامی برای حفظ ظاهر نیست، ما نوری است برای به دست آوردن طرفدار در میان آن لایه‌هایی که به میانه‌اندروی و اعتدال و مدار جوشی منتظری امید بسته بودند. می‌گویند رفسنجانی و خامنه‌ای جوان‌تر از آن و در میان روحانیت شیعه کم‌نفوذتر از آندک‌بشتوانند جای خمینی را بگیرند، کویندگان این سخن از یاد می‌برند که در صورت یک تحلیله، خونین، دیگر کسی نخواهد پرسید که برنده جزو کدام گروه سنی است. وانگهی رفسنجانی خوب می‌داند که تا کدام اندازه از حمایت روحانیت به اصطلاح بلندپایه، شیعه بی‌نیاز است. آن‌ها که تشکیلاتی رژیم خمینی را با سکوت و حتی تا نیک‌گفته‌ها، پذیرا شدند، به احتمال بسیار در برابر رفسنجانی نیز تمکین خواهند کرد.

اعتبار روحانیت شیعه از هیچ جایی جز خود روحانیت شیعه مدیده‌مند نیست. وقتی یک آیت‌الله العظمی مانند سید کاظم شریعتمداری را چنان مورد بی‌حرمتی قرار دادند که از غصه دق کرد، چرا این بی‌حرمتی باید در آستانه آیات عظام

شده‌اند. به گزارش این خبرگزاری احمد کاشانی متهم شده است که اعلامیه‌هایی با الهام از فدا انقلاب و به قصد ایجاد تفرقه در بین نیروهای مسلح منتشر کرده است. خبرگزاری فرانسه می‌نویسد: احمد کاشانی و نمایندگان که وی رهبری آن‌ها را برعهده داشت، اظهار می‌داشتند که جمهوری اسلامی با پذیرش رفع اختلاف مالی خود با آمریکا در چارچوب قرار داد الجزایر که زمینه آزادسازی گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران را در سال ۱۳۵۹ فراهم آورد، میلیاردها دلار پول از دست داده است آن‌ها همچنین می‌گفتند که مذاکرات میان فرانسه و جمهوری اسلامی با ایدای موسی مجلس کنترل شود و هیچ توافق بدون نظر موافق مجلس با فرانسه امضاء نشود.

سید احمد کاشانی، پسر آیت‌الله کاشانی و برادر محمود کاشانی است که سال گذشته، در انتخابات ریاست جمهوری رژیم تهران شکست خورد.

### تهران بدون بنزین

بقیه از صفحه ۸

دهها بنزین در خیابان‌های تخت جمشید، نادر شاه، کریمخان، کوروش کبیر که از مراکز اصلی خرید و فروش هستند درهای خود را بسته و رفته‌اند. دهها پمپ بنزین از راه سبسی که ما جان آن‌ها امید به فروش حفظ زده‌های داشتند بدون مشتری و خالی مانده‌اند. تهران بدون بنزین، خسته، بی‌خون و بی‌رمق روزهای کسالت‌باری را می‌گذرانند و اغلب تهران‌های با توجه به بحران اقتصادی و تشدید بحران بی‌اعتباری می‌شود. سواد سوختی، با وجود سختی طاقت‌فرسای معیشتی به امکان سقوط رژیم دل بسته و می‌گویند ما حاضریم که در این راه بدریا برایی سختی‌ها را تحمل کنیم تا به شحکومت آخوندی از سرمان کم‌شود.

را در جایگاهها متمرکز کرد. یکی از مسئولین اقتصاد مملکت در یک مجلس خصوصی می‌گفت: کاهش کسب و کاری‌های حمل و نقل شهری و بین شهری که ناشی از کمبود بنزین و گازوئیل است عملاً بر نامه دو ساله اقتصاد دولت که هدفش تا مین نیازهای جنگی و حفظ اشتغال بود به‌کاهش اشتغال انجامید و میزان میادلات کالای خرید و فروش در اقتصاد شهری را به صورت نا مطلوبی تنزل داده بطوریکه بسیاری از کسبه در صدد تعطیل محل کسب خود یا تغییر شغل برآمده‌اند. در حال حاضر آنا تعطیل محل‌های کسب در دریا را روچه در خیابان‌های مرکزی شهر به چشم می‌خورد. حداقل پنجاه درصد منازل‌های فروش‌فروشی از جمله کل فروش‌فروشی‌های عباس‌آباد تعطیل شده

Table with 3 columns: 909, 671, 1221; 992, 857, 1222; 1151, 950, 1223

با به شاخص‌ها متوسط سال ۱۳۱۵ = ۱۰۰

شاخص هزینه زندگی نماینده مخارج یک خانواده طبقه سوم است.

### خلاصه کسر عمل مالی

در باره نتیجه عمل مالی دولت در دوره بحران نفست وزیر دارائی دولت سپید زاده در تاریخ ۲۴ مهر ماه ۱۳۲۲ هنگام طرح قرار داد کنسرسیوم در مجلس شورایچنین گفت:

"از روزی که دستگاه نفت خوب خوابید تا امروز یعنی در فاصله مدتی که از اعیاد نفت محروم بودیم مخارج مملکت ما از دوره تا مین نده است. یکی از راه‌مصرف کردن تمام ذخایر ارزی و غیر ارزی موجودی دولت در سال ۱۳۲۵ و بالا آوردن چند میلیارد دلار برای دولت از راه استغراض‌های متعدد از بانک ملی، و انتشار اوراق قرضه ملی و به جریان گذاردن نزدیک ۴۰۰ میلیون تومان اسکناس که در مرداد ۱۳۲۲ دیگر کفگیر به ته دیگ خورده و دیناری در دست دولت نبود. دوم از راه کمک‌های مختلف دولت آمریکا به عنوان اصل چهار رکنک‌های فوری و بلاعوض... به طور کلی در مدت ۲۲ ماه زمانه مداری آقای دکتر مصدق دولت فقط برای پرداخت مخارج جاری ۴۴۲/۴۲۶/۰۰۰ ریال کسر عمل داشت."

بعدها ز سقوط دکتر مصدق بیش از یک سال گذشت تا نفست دوباره به جریان افتاد. و در این مدت رکود اقتصاد کشور همچنان ادامه داشت جز اینکه در نتیجه کمک‌های دولت آمریکا وضع مالی دولت بهبود یافت. به‌فایده کمی بعد از تغییر دولت یعنی در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۲۲ (دوماه بعد از تاریخ نام‌های که طی آن آیزنهاور کمک به ایران را بی‌اتفاقی در حق مؤدیان مالیاتی آمریکا خوانده بود. سفیر آمریکا به دولت اطلاع داد که دولت آمریکا تصمیم گرفته است مبلغ ۴۵ میلیون دلار به عنوان کمک اقتصادی فوری در اختیار دولت ایران بگذارد. قبلاً نیز اعلام شده بود که اعتباری معادل ۲۳/۴ میلیون دلار به برنام‌ه عملیات اصل چهار در ایران تخصیص داده شده است که به مصرف کمک‌های اقتصادی و فنی ایران برسد.

بعدها ز تصویب قرار داد کنسرسیوم در آبان ماه ۱۳۲۲ جریان نفت ایران به بازارهای جهان تجدید شد و اقتصاد متکی بر درآمد نفت (طبق شرایط معمول در سایر کشورهای نفت خیز منطقه وند برابری خواسته‌های قانون ملی شدن نفت) تثبیت گردید.

Table with 3 columns: 1221, 1222, 1223

مصدق و نهضت ملی ایران در کاشانی چاپ و راست

### درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه - شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه - دانشجویان نصف قیمت

ایشان شب (نام و نام خانوادگی فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

ما بایم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مبلغ فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه به حساب پستی نشریه حواله شد.

قبض رسید به ضمیمه ارسال می‌گردد. تاریخ امضاء

شماره حساب پستی: QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78 Rue de la Tour 75116 Paris Compté No: 11624700200

### توجه لازم

تصاناً دارد تقاضای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه‌هایی که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی‌رسد.

### دیگر توقف کند؟

مگر همین اکنون به آیت‌الله حسن طایب‌الثانی قمی در مشهد ماها نیست نمی‌کنند؟ مسلماً "آقایان گلپایگانی و نجفی مرعشی از این هرزه‌درانی‌ها درس‌های خود را گرفته‌اند. این‌ها اگر برای حفظ حرمت خویش، خوددستی نجنبانند، از آن طرف برای طلبه‌ها و روضه‌خوان‌ها و زیا رشتا مه‌خوان‌های سابق هیچ حریمی وجود ندارد که نتوان به آن تجاوز کرد.

### برآشفستگی آمریکا

نیویورک تا بمز، به نقل از نزدیکان جرج نولتنز، وزیر امور خارجه آمریکا، نوشت که هرگاه ثابت شود که کاخ سفید در ازای آزادی گروگان‌های آمریکایی، مخفیانه به جمهوری اسلامی اسلحه تحویل داده است، رئیس دیپلماتیک آمریکا از مقام خود استعفا خواهد داد. روزنامه آمریکا می‌نقل از مسئولان دولتی آمریکا نوشت وزارت خارجه آمریکا با برقرار سازی تماس‌های محرمانه با رژیم جمهوری اسلامی مخالفت می‌ورزید و به همین دلیل از معاملات سیاسی کاخ سفید دور نگه‌داشته شد.

# چهارگونی باز زنده شد؟

بقیه از صفحه ۱

در بازی سیاست، مثل بازی بولینگ، بلوف زدن وقتی کارساز واقع می شود که حرفت از وضع خودش مطمئن نباشد. شما به حرفی که ورق های برنده در دست اوست هرچه "بلوف" بزنید بیشتر می بازیسد و این را ما هم در جریان گروگان گرفتن اعضای سفارت آمریکا تجربه کردیم و هم در قضیه تروریسم.

هردوی این ها، یعنی هم گروگان گیری و هم تروریسم، نوعی بلوف سیاسی است. شما یک هیولما ت خاچی را می ربایید و به دولت متبوع وی پیغام می دهید که اگر آزادی او را می خواهید باید فلان فلان می کنید که هرگاه تا فلان ساعت زندانی آزاد نشد گروگان کشته خواهد شد.

تا اینجا ورق برنده در دست شماست، اما اگر آن دولت خارجی بتواند شما را به صورتی در موضع ضعف قرار دهد یا ریشی از شما بدست آورد که حس کنش از گروگان کشی طرفی نخواهد بود، صورت قضیه فرق می کند. آن وقت شما خواهید بود که مجبور می شوید یک چیزی بدهید و خودتان را از مخمصه خلاص کنید.

الکساندر دوم را نشی، رئیس سابق سازمان اطلاعات فرانسه در کتاب خاطراتش می گوید آمریکا طی ها در زمانی که از هردوی برای آزاد کردن گروگان ها بیژان وارد می شدند و ماء یوس بازمی گشتند با من تماس گرفتند و راه حل خواستند. من راه حل اینست که آیت الله خمینی را بر بایید و آزادی او را شرط آزاد شدن گروگان ها قرار دهید.

این پیشنهاد معقول یک "حرفه ای" است که مقررات بازی را می شناسد و تشخیصی

می دهد حرفه را چه گونه باید خلع سلاح کرد ولی با آنکه کار تر پذیرفته بود که ربودن آیت الله خمینی کاملاً امکان دارد و برای نجات گروگان ها از بیژان طریق می توان به نتیجه رسید، طبق گفته دومرانش، تسلیم نظر او نمیشود و می گوید آیت الله خمینی چون یک فرد روحانی است با وی چنین عملی نمی توان کرد.

تا وقتی کار تر بر سر کار نبود و سیاست آمریکا را درین مسیر هدایت می کرد که با آیت الله خمینی بعنوان یک روحانی با دید برخورد کرد کمترین پیشرفتی در حل مسأله گروگان ها حاصل نشد و لسی شکست کار تر در انتخابتاریا سیاست جمهوری وضع را یکباره عوض کرد، بمحض آنکه ریگان در انتخابتاریا برنده شد آیت الله خمینی تشخیص داد از زمین بی

با کسی سروکار نداشته و با همه چشم ترویست و باج گیری نکرده و همان طور که پیغام داده است روزی که به کاخ سفید وارد شد اگر مسأله گروگان ها هنوز حل نشده باشد روزگارش را سیاه خواهد کرد. بدین ترتیب، آیت الله دستور داد تا نمایش گروگان گیری تعطیل شود و هرچه آمریکا طی ها خواستند داد و بای قرار داد سنگین الجزایر امضاء گذاشت تا خود را از تر گروگان ها خلاص کند.

دیوانه ای سر زده داخل حمام زنان

شد. جیغ و داد زن ها بلند شد اما کسی برای خلاص کردن آن ها از جنگ دیوانه قدیمی بر نمی داشت چون اولاً - مردک دیوانه قلچماق بود، ثانیاً - مسردها بخودشان آجا زه نمی دادند داخل حمام زنان شونده، عاقبت یکی از لوطی های محل سر رسید و چماقی گرفت و بدرون حمام رفت و به جان دیوانه افتاد. دیوانه های به تر از گذشت و در حالی که از حمام بیرون می جت فریاد می زدای مردم بگریزید که دیوانه خطرناکی درین حمام هست!

در قضیه تروریسم نیز آیت الله خمینی همان راهی را رفت که در جریان

سفارت فرانسه در روز ۴ نوامبر که با فریاد های مرگ بر حکومت فاشیت فرانسه همراه بود البته بدون حادثه های پایان یافت.

گزارشگر خبرگزاری فرانسه می نویسد: تشریح مواضع جمهوری اسلامی زمان نشی صورت می گیرد که مسأله ای بر سر چاشنی روح الله خمینی در ایران در گرفته است.

باز داشت بسیاری از نزدیکان آیت الله منتظری، از جمله مهدی ها شمی، اختلافات عمیقی را که بر سر مسائل مختلف در جمهوری اسلامی وجود دارد آشکار کرد. ما به این اختلافات از جمله جنگ و پیوسته روابط با متحدان عرب عراق با وساطت سوریه است.

"پیرتا یفر" اضافه می کند: ما شمی، رفسنجانی که با پشتیبانی احمد خمینی و میر حسین موسوی نخست وزیر، اعلام کرد که حتی اگر حکومت طرفدار آمریکا در عراق بر سر کار آید، جمهوری اسلامی حاضر به آغاز مذاکرات صلح نخواهد بود. مستقیماً "به مخالفت با جناحی برخاست که طرفدار مدور انقلاب اسلامی هستند و بسیاری از طرفداران آیت الله منتظری را در بر می گیرد. این گروه از طریق دفتر کمک به جنبش های آزادی بخش اسلامی

گروگان گیری رفته بود و به همانج رسیده که در پایان آن ما جرایم رسیده بود. آیت الله خمینی و شرکای او - قذافی و اسد - تشخیص داده بودند که کشورهای دموکراسی در برابر حربه تروریسم آسیب پذیرند و با این حربه می توان آن ها را زیر فشار گذاشت. این استنباط آیت الله صحیح بود. هر جا که پلیس کمتر باشد و مردم آزادانه تر زندگی کنند طبیعتاً امکان فعالیت برای خرابکاران بیشتر است ولی جوامعی که توانسته اند بدین مرحله از پیشرفت های فکری و علمی و تکنیکی برسند لابد برای دفاع از خودشان در مقابل تروریسم هم قادرند راه حلی پیدا کنند.

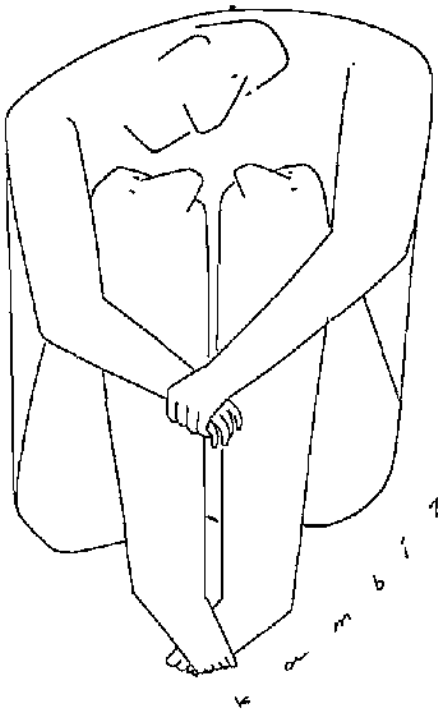
این را آیت الله خمینی و شرکاء، در نظر نگرفته بودند، آن ها در زمینه تروریسم دست به قمار بزرگی زدند و سرمایه گذاری سنگینی کردند ولی درین قمار کی بازنده شد، آمریکا...؟ انگلیس...؟ فرانسه...؟ آلمان...؟ اسرائیل...؟ شوروی...؟

هیچ کدام! بازنده ایران بوده است و سوریه و لیبی و آتنی که رهبران دیوانه این سه کشور افروختند نه فقط به جان خودشان افتاد، بلکه متاء سفانسه دامان سایر کشورهای جهان سوم را هم گرفته است.

قبل از این حوادث، هیچ دولتی در غرب جرات نمی کرد در قبال اتباع خارجی سیاست های خصم اتخاذ کند و آن ها را گله گله بیرون بریزد. امروز در تمام کشورهای غربی، احساسات ضد خارجی قوت گرفته است، طرفداران سنت میهمان نوازی در غرب تعدادشان به حد قابل رسیده است. احزاب و گروه های نژاد پرست روز به روز تقویت می شوند و زبان هواداران تساری نژاد و اصول حقوق بشر بسته است چون وقتی مسا خودمان می گوئیم حقوق بشر را قبول نداریم آن ها چه می توانند بگویند؟

بهر سرپرستی مهدی ها شمی به حمایت مالی و نظامی از گروه های بنیادگرای لبنان می پرداخت که بعضی از آنها گروگان های غربی را در اختیار دارند. خبرگزاری فرانسه می افزاید: بر اساس اطلاعات تلغنی محافل دیپلماتیک در تهران، رفسنجانی با طرح شرایط افراطی در روز ۴ نوامبر اعلام این که - دوستان لبنانی برای آزادی گروگان ها تماس خواهند گرفت. در عین حال خواسته است جناح افراطی جمهوری اسلامی را مطمئن کند که وی به جریانات بنیادگرایانه جمهوری اسلامی احترام می گذارد.

همین منابع تا کنون در گذشته ها شمی رفسنجانی تنها بعد از آن که نزدیکان مهدی ها شمی در لبنان، سفر یک قارلین را به تهران فاش کردند، مجبور شد با تاخیر بسیار دربار "آ" سخن بگویند. تا قبل از آن، جمهوری اسلامی سعی کرده بود بین سفرها مخفی نگاه دارد. "پیرتا یفر" در پایان تفسیر خود می نویسد: گروه های طرفدار جمهوری اسلامی در لبنان، علاوه بر اختلافات محلی بین خود، دچار اختلافات درونی جمهوری اسلامی نیز شده اند و از سوی دیگر همسایه آن ها طبق الشعل بال شعل هم از دستورات حکومت تهران بیرونی نمی کنند.



وقتی ما خودمان را تروریست و آدمکش معرفی می کنیم کی قادر است از ما دفاع کند؟

اما کارگردانان این بازی نفرت آور در پایان کار به آنجا رسیده اند که در منتهای ضعف و ذلت، جلوی پای کشورهای صنعتی غرب پیروز به زمین می افتند و استغفار می کنند. یکی بعد از آنکه گوشش را سیخا نندند مثل سگ سوزن خورده دمش را لای پایش گذاشته و زوزه کشان بگوشه می گریخته است. دومی به گردن گرفته است که برای سازمان های اطلاعاتی غرب جاسوسی کند و اسرار رشیکه های تروریستی را در اختیار آن ها بگذارد. سومی نیز گروهی از تروریست های خودش را قربانی کرده است تا به غربی ها نشان دهد که قصد دارد از تروریسم شویه کند:

دشمن به دشمن آن نپسندد که بی خرد با نفس خود کند بمراد هوای خویش از دست دیگران چه شکایت کند کسی سبلی بدست خویش زده بر قفاى خویش

## سپهر

شماره ۷ فصل نامه بررسی های سیاسی و فرهنگی "سپهر" هفته گذشته انتشار یافت. در این شماره مقالاتی با عنوان های: تئوری توطئه و توطئه زدگی، واحدا م اجتماعی، مارکسیسم ما رکیس، پیرامون ملت و ملیت، ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم، انسان و مسعود انشتین و شیطان، انقلاب شیخ محمد تارابی، ماستان و خاشاکه، و آموزش دموکراسی به چا رسیده است. در این شماره، سرمقاله کوتا هسی از جریان فکری و سیاسی سپند و هدف و راه یابی های آن، سخن را نده، باسخی بر چه باید کرد؟ آورده، تنها بیت "قصه را، قصه ی کتاب و بی کتابی دانسته است. علاوه کتاب "سروشنت ایران چه خواهد بود؟" یک نوشته ی مجور از احمد کسروی که وگین بار در سال ۱۳۲۴ به طبع رسیده، به ضمیمه شماره ۷ سپهر چاپ شده است. ضمن آرزوی موفقیت برای نویسندگان و کارکنان آن خواندن سپهر ۷ را به خوانندگان خود توصیه می کنیم.

نشانی:  
QYAM IRAN  
C O C B.  
17, bd RASPAIL  
75007 PARIS  
FRANCE

# ایران هرگز نخواهد مرد